# بسم الله الرحمن الرحیم

سوره مبارکه قدر

[97) سوره قدر (97) آیه1 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏ إِنَّا أَنْزَلْناهُ في‏ لَيْلَةِ الْقَدْرِ ‏ ‏4/4/1395 18 رمضان 1437 1](#_Toc454914971)

[ترجمه 1](#_Toc454914972)

[نکات ترجمه‌ای و نحوی 1](#_Toc454914973)

[حدیث 2](#_Toc454914974)

[تدبر 4](#_Toc454914975)

[98) سوره قدر (97) آیه 2 وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ ‏ ‏5/4/1395 19 رمضان 1437 8](#_Toc454914976)

[ترجمه 8](#_Toc454914977)

[نکات ترجمه‌ای و نحوی 8](#_Toc454914978)

[حدیث 9](#_Toc454914979)

[تدبر 13](#_Toc454914980)

[99) سوره قدر (97) آیه 3 لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ‏ ‏6/4/1395 20 رمضان 1437 15](#_Toc454914981)

[ترجمه 15](#_Toc454914982)

[حدیث 15](#_Toc454914983)

[تدبر 19](#_Toc454914984)

[100) سوره قدر (97) آیه 4 تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ‏ ‏7/4/1395 21 رمضان 1437 22](#_Toc454914985)

[ترجمه 22](#_Toc454914986)

[نکات ترجمه‌ای و نحوی 22](#_Toc454914987)

[حدیث 24](#_Toc454914988)

[تدبر 28](#_Toc454914989)

[101) سوره قدر (97) آیه 5 سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ‏ ‏8/4/1395 22 رمضان 1437 35](#_Toc454914990)

[ترجمه 35](#_Toc454914991)

[نکات ترجمه‌ای و نحوی 35](#_Toc454914992)

[حدیث 36](#_Toc454914993)

[تدبر 38](#_Toc454914994)

## 97) سوره قدر (97) آیه1 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ‏ إِنَّا أَنْزَلْناهُ في‏ لَيْلَةِ الْقَدْرِ ‏ ‏4/4/1395 18 رمضان 1437

### ترجمه

به نام خداوند رحمان رحیم؛ بدرستی که ما در شب قدر نازلش کردیم.[[1]](#footnote-1)

### نکات ترجمه‌ای و نحوی

«أَنْزَلْنا» از ریشه «نزل» می‌باشد که به معنای حرکت از بالا به پایین (المصباح المنير‏2/ 601) و هبوط و مستقر شدن در محل مورد نظر (حلول) است (معجم المقاييس اللغة5/ 417 ؛ لسان العرب11/ 656) و تفاوت «نزول» با «هبوط» در این است که هبوط، نزولی است که ادامه دارد (الفروق فی اللغة12/ 86)؛ به تعبیر دیگر، در «نزول»، اصل حرکت رو به پایین بیشتر مد نظر است؛ اما در «هبوط»، استقراری که بعد از این حرکت انجام می‌شود، بیشتر مورد توجه است (التحقيق في كلمات القرآن الكريم‏12/ 88).

فعل «نزل» لازم است که با حرف اضافه (مثلا نزل بـ) یا همزه (أنزل) یا تشدید (نزّل) متعدی می‌شود. (المصباح المنير‏2/ 601) درباره اینکه آیا بین «أنزل» با «نزّل» تفاوتی هست یا نه، برخی به این نظر متمایلند که تفاوت مهمی بین این دو نیست (لسان العرب‏11/ 656) اما برخی بین این دو تفاوت دیده و شواهدی از قرآن هم بر این تفاوت ارائه کرده‌اند.

امروزه معروفترین تفاوت، آن طور که در اغلب حواشی دو تفسیر کشاف و بیضاوی آمده (تاج العروس‏15/ 729)، این است که «نزّل» دلالت بر نزول تدریجی می‌کند، اما «أنزل» دلالت بر نزول دفعی دارد. البته مطلب ظاهرا دقتی بیش از این دارد. راغب اصفهانی چنین توضیح داده که «نزّل» در جایی است که فروفرستادن، جداجدا و یکی پس از دیگری انجام شده باشد؛ اما «أنزل» معنای عامی دارد و هم این حالت و هم حالتی را که یکجا فرو فرستاده شده باشد شامل می‌شود. (مفردات ألفاظ القرآن/ 799) چیزی که می‌تواند موید خوبی برای اعم بودن معنای أنزل باشد این است که در قرآن کریم بارش باران علاوه بر اینکه با تعبیر «نزّل» آمده (عنکبوت/63 ؛ زخرف/11)، مکررا با تعبیر «أنزل» هم آمده است (مثلا انعام/99 ؛ ) اما تنها جایی که ظاهرا این ضابطه را در خصوص کلمه «نزّل» ممکن است به چالش بکشد این آیه است که «وَ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً واحِدَة» (فرقان/32) و چون نقل قول سخن کافران است لزوما چالشی ایجاد نمی‌کند زیرا ممکن است آیه با بلاغت تمام در مقام بیان پارادوکس مستتر در کلام کافران باشد (که از طرفی انتظار نزول دفعی (جمله واحده) دارند و از طرف دیگر انتظار خود را با تعبیر نزّل بیان می‌کنند). در خصوص نزول قرآن کریم، گاه در یک آیه هر دو تعبیر با هم آمده است که توجه به این تفاوت ظرافت خاصی به معنی آیه می‌بخشد؛ مثلا : «أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِم» (نحل/44) یا آیه «لَوْ لا نُزِّلَتْ سُورَةٌ، فَإِذا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ» (محمد/20) که راغب اصفهانی تحلیل زیبایی از این تفاوت در تعبیر دارد که منافقان پیشنهاد می‌دادند که آیات جهاد کم‌کم نازل شود تا امکان سرپیچی برایشان مهیا باشد اما وقتی سوره‌ای یکجا نازل شد، عمل نکردند» (مفردات ألفاظ القرآن/ 800)[[2]](#footnote-2). و اتفاقا یکی از نکات جالب این است که قرآن وقتی در مقام بیان موضع منافقان (که منطق‌شان «نومن ببعض و نکفر ببعض» بوده) برمی‌آید، تعبیر «أنزل»‌را به کار می‌برد که نشان می‌دهد قرآن کریم در کلیتش بوده که برای آنها چالش ایجاد می‌کرده است. وَ إِذا قيلَ لَهُمْ تَعالَوْا إِلى‏ ما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنافِقينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُوداً (نساء/ 61)

برخی هم بر این باورند که تفاوت این دو تعبیر در این است که در «أنزل»، صدور فعل از فاعل، بیشتر مورد عنایت است؛ اما در «نزّل» خود فعل از جهت وقوع و تعلق گرفتن آن به متعلَقش، بیشتر مورد توجه است (التحقيق في كلمات القرآن الكريم12/ 88)

ضمنا در تفاوت وزن «تنزّل» با این دو هم گفته شده، که چون وزن «تفعّل» دلالت بر نوعی حالت قبول کردن از روی طوع و رغبت (= مطاوعه) دارد (برخلاف وزن انفعال، که نوعی قبول اجباری و قهری را القا می‌کند)، پس «تنزّل» در جایی است که موجودی که قرار است نازل شود، نسبت به این حالت نزول، حالت آمادگی دارد و از روی اختیار این نزول را انجام می‌دهد.

«الْقَدْرِ»: به معنای «اندازه» و مقدار است (مفردات ألفاظ القرآن/ 658) و اصل این ماده بر کنه و نهایت ظرفیتی که یک شیء دارد، دلالت می‌کند و به همین جهت به قضای الهی که امور را به نهایت مقدر شده برایشان می‌رساند، قَدَر گویند (معجم المقاييس اللغة‏5/ 62) در برخی کتب لغت، اولین معادل آن را مبلغ (= حد بلوغ و غایت شیء) قرار داده‌اند (معجم المقاييس اللغة‏5/ 62) که به نظر می‌رسد معنای متعارف «مبلغ» (به معنای قیمت) هم ظاهرا به همین «قَدْر» (= اندازه) برمی‌گردد.

### حدیث

1) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَوْذَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ‏ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِي يَحْيَى الصَّنْعَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ لِي أَبِي مُحَمَّدٌ:

قَرَأَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ‏ ع‏ إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ عِنْدَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ

فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ يَا أَبَتَاهْ كَأَنَّ بِهَا مِنْ فِيكَ حَلَاوَةً

فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنِي إِنِّي أَعْلَمُ فِيهَا مَا لَا تَعْلَمُ إِنَّهَا لَمَّا نَزَلَتْ بُعِثَ إِلَى جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَرَأَهَا عَلَيَّ ثُمَّ ضَرَبَ عَلَى كَتِفِيَ الْأَيْمَنِ وَ قَالَ يَا أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَلِيَّ أُمَّتِي بَعْدِي وَ حَرْبَ أَعْدَائِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ هَذِهِ السُّورَةُ لَكَ مِنْ بَعْدِي وَ لِوُلْدِكَ مِنْ بَعْدِكَ أَنَّ جَبْرَئِيلَ أَخِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَحْدَثَ إِلَيَّ أَحْدَاثَ أُمَّتِي فِي سُنَّتِهَا وَ إِنَّهُ لَيَحْدُثُ ذَلِكَ إِلَيْكَ كَأَحْدَاثِ النُّبُوَّةِ وَ لَهَا نُورٌ سَاطِعٌ فِي قَلْبِكَ وَ قُلُوبِ أَوْصِيَائِكَ إِلَى مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ ع.

تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص794

از امام صادق ع روایت شده که پدرم امام باقر ع برایم تعریف کردند که یکبار حضرت علی ع «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را می‌خواند و امام حسن ع و امام حسین ع نزد ایشان بودند.

امام حسین ع فرمود: پدرجان! گویی این شیرینی خاصی برای شما دارد؟

فرمود: ای پسر رسول خدا و ای پسرم! بدرستی که من در مورد آن چیزی می دانم که نمی‌دانی.

وقتی که نازل شد، جدت رسل خدا مرا احضار کرد و آن را بر من قرائت فرمود و بر شانه راستم زد و فرمود:

ای برادرم و ای جانشینم و ای کسی که بعد از من ولیّ امتم هستی و با دشمنانم تا روز ی که مبعوت می‌شوند در ستیزی! این سوره بعد از من برای توست و بعد از تو برای فرزندان توست، چرا که جبرئیل – برادرم در میان فرشتگان – برای من از شیوه‌ای که امتم بعد از من پایه‌گذاری می‌کنند خبر داد و همانا آن برای تو هم همانند خبرهایی که به پیامبران آورده می‌شود خبرهایی می‌آورد [یا: همان طور که سختی‌هایی برای نبوت پیش آمد برای تو هم سختی‌هایی پیش می‌آید] و این سوره نوری تابان در قلب تو و قلوب جانشینان تو تا طلوع فجر قائم ع خواهد بود.

2) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ حَرِيشٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ:

سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ عَنْ سُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ وَيْلَكَ سَأَلْتَ عَنْ عَظِيمٍ إِيَّاكَ وَ السُّؤَالَ عَنْ مِثْلِ هَذَا فَقَامَ الرَّجُلُ.

قَالَ فَأَتَيْتُهُ يَوْماً فَأَقْبَلْتُ عَلَيْهِ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ‏ إِنَّا أَنْزَلْناهُ‏ نُورٌ عِنْدَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَوْصِيَاءِ لَا يُرِيدُونَ حَاجَةً مِنَ السَّمَاءِ وَ لَا مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا ذَكَرُوهَا لِذَلِكَ النُّورِ فَأَتَاهُمْ بِهَا ...

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص280

امام باقر ع می‌فرمایند:

شخصی از امام صادق ع از سوره قدر سوال کرد.

فرمود: وای بر تو که از امر عظیمی سوال کردی. تو را برحذر می‌دارم که از چنین اموری سوال کنی! او بلند شد و رفت.

سپس روزی من خدمت ایشان رسیدم و از ایشان سوال کردم.

فرمود «إِنَّا أَنْزَلْناهُ‏» نوری است نزد پیامبران و جانشینان‌شان که هیچ حاجتی در آسمان و زمین ندارند مگر اینکه آن را نزد این نور یاد می‌کنند و او برایشان آن را می‌آورد ...

3) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ جَرِيشٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع:

إِنَّا أَنْزَلْناهُ‏ نُورٌ كَهَيْئَةِ الْعَيْنِ عَلَى رَأْسِ النَّبِيِّ ص وَ الْأَوْصِيَاءِ لَا يُرِيدُ أَحَدٌ مِنَّا عِلْمَ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ الْأَرْضِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ إِلَى الْحُجُبِ الَّتِي بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ الْعَرْشِ إِلَّا رَفَعَ طَرْفَهُ إِلَى ذَلِكَ النُّورِ فَرَأَى تَفْسِيرَ الَّذِي أَرَادَ فِيهِ مَكْتُوباً.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص443

امام صادق ع فرمود:

«إِنَّا أَنْزَلْناهُ‏» نوری است به صورت چشمی بر سر [یا: چشمه‌ای بالای سر] پیامبر ص و جانشینانش؛ هیچ یک از ما علم امری از امور زمین و آسمان تا امور مربوط به حجابهایی که بین خدا و عرش اوست، نمی‌خواهد مگر اینکه با عطف توجه به بالا، نگاهش را متوجه آن نور می کند و آنگاه تفسیر آنچه را که اراده کرده بود، به صورت نوشته شده در آن می‌بیند.

4) حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ يُكْتَبُ مَا يَكُونُ مِنْهَا فِي السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ مَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ أَوْ مَطَرٍ وَ يُكْتَبُ فِيهَا وَفْدُ الْحَاجِّ ثُمَّ يقضى [يُفْضَى‏] ذَلِكَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَقُلْتُ إِلَى مَنْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ فَقَالَ إِلَى مَنْ تَرَى.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلوات الله عليهم، ج‏1، ص220

ابن‌بکیر از از امام صادق ع روایت کرده است که:

همانا در شب قدر آنچه از خیر و شر و مرگ و حیات و باران تا سال بعد قرار است واقع شود، و نیز اسامی حاجیان، ثبت می‌شود سپس [این حکم] به اهل زمین صادر می‌گردد.

سوال کردم: به چه کسی از اهل زمین؟

فرمود: به کسی که [جلویت ایستاده و] می‌بینی!

5) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع:

التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ وَ الْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ الْإِمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ.[[3]](#footnote-3)

الكافي ج‏4، ص160

از امام صادق ع روایت شده است که:

«تقدیر» (= معلوم کردن اندازه‌ها؛ سرنوشت‌) در شب نوزدهم است؛ و «ابرام» (محکم‌کاری) در شب بیست و یکم است و «امضاء» (= قطعی شدن امور) در شب بیست و سوم است.

### تدبر

توجه: چون درباره «بسم الله الرحمن الرحیم» در اولین جلسه بحثی شده است دوباره بدان نمی‌پردازیم و از انا انزلناه شروع می‌کنیم:

1) چرا فرمود «أنزلناه» و نفرمود: «نزّلناه»؟ (تفاوت این دو تعبیر در «نکات ترجمه» گذشت)

ظاهرا چون سخن از نزول کل قرآن در یک شب است. این قرآنی که بیش از 6000 آیه دارد و آیاتش هم غالبا متناسب و ناظر به شرایط مختلف اجتماعی نازل شده، یکجا در یک شب هم نازل شده است، نزولی جمعی و دفعی؛ و این نزول در شبی واقع شده که جایگاهی برتر از هزار ماه دارد. این سوره با آیه‌ای شروع می‌شود که مدل محاسباتی ما را می‌شکند. (مومنون/115، جلسه 96، تدبر1)

امشب احتمال دارد شب قدر باشد (حدیث5) امشب مدل محاسباتی تغییر کرده است؛ نکند باز با مدل‌های قبلی دنبال استفاده از این شب باشیم. (البته اعمال این شب همگی درصدد است به ما در استفاده از مدل محاسباتی این شب کمک کند.) ان‌شاءالله آنها را جدی بگیریم و این فرصت عظیم را از دست ندهیم و از ثواب‌های عظیم آنها تعجب نکینم.

2) چرا فرمود «انزلناه» و نفرمود: «انزلنا القرآن»؛ خصوصا اینکه وقتی ضمیری می‌آید باید قبلش اسم ظاهر آمده باشد؛ اما در این سوره هیچ اسم ظاهری قبلش وجود ندارد؟

اغلب که مفسران مرجع ضمیر «ه» را «قرآن کریم» دانسته‌اند، دو دلیل ذکر کرده‌اند:

الف. دلالت سیاق آیات سوره

ب.آیه‌ای که می‌فرماید «وَ الْكِتابِ الْمُبين‏ إِنَّا أَنْزَلْناهُ في‏ لَيْلَةٍ مُبارَكَةٍ» (دخان/2-3).[[4]](#footnote-4)

اما شاید علت اینکه کلمه «قرآن» نیامده و ضمیر آمده، این است که علاوه بر قرآن، اشاره‌ای نیز باشد به حقایق آن سال که هرساله یکجا بر قلب پیامبر و امام نازل می‌شود؛ اما چگونه؟

الف. سیاق آیات بعد، بویژه آیه 4 نشان می‌دهد که شب قدر هرسال تکرار می‌شود و روایات فراوانی آمده است که در شب قدر، همه حقایق سال یکجا بر قلب پیامبر ص یا امام هر زمان نازل می‌شود (مثلا حدیث4، و ان‌شاءالله در روزهای آینده در بحث از آیه4، احادیث دیگری نیز خواهد آمد)[[5]](#footnote-5)

ب. آیا کتاب مبین، «قرآن نازل شده» است یا حقیقتی ماورایی است که باطن این قرآن است و این قرآن از آن سرچشمه گرفته است؟ تعبیر «کتاب مبین» در پنج آیه آمده است (يوسف/1 ؛ شعراء/2 ؛ قصص/2 ؛ زخرف/2 ؛ دخان/2) که در دومی و سومی، در ادامه‌اش توضیحی ندارد، ولی در اولی در آیه بعدی‌اش فرموده «انا انزلناه قرآنا عربیا»؛ و در چهارمی در آیه بعدی‌اش فرموده: «انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون و انه فی ام‌الکتاب لدینا لعلی حکیم» و در پنجمی هم در آیه بعدی‌اش فرموده «انا انزلناه فی لیله مبارکه». اگر «کتاب مبین» اشاره به سرچشمه‌ی قرآن باشد آنگاه این ضمیر «ه» در این آیه سوره قدر می‌تواند اشاره به همان سرچشمه‌ای می‌کند که هم قرآن و هم حقایق سال که هرساله یکجا بر قلب پیامبر و امام نازل می‌شود، از آن نازل می‌شود.

ج. قبلا اشاره شد که قرآن کریم حاوی همه حقایق است که البته توان استخراج همه حقایق از آن کار هرکسی نیست (اسراء/82، جلسه93 حدیث6 و تدبر1). شاید با توجه به دو نکته فوق، استفاده از ضمیر «ه» به جای «قرآن» برای این باشد که در این شب، آن مقدار از حقیقت قرآن که تفصیل کل وقایع سال است، یکباره بر قلب پیامبر و امام نازل می‌شود؛ با این توضیح، هم نزول هرساله حقایق را شرح می‌دهد و هم نوعی از نزول هرساله باطن جمعیِ قرآن را.[[6]](#footnote-6)

(شاید احادیث 1-3 در مقام بیان همین معنا باشند.)

3) «... في‏ لَيْلَةِ ...»: چرا بر «شب» قدر تاکید است؟ چرا وقایع مهم در دنیا در شب رخ می‌دهد؟ و مهمترین توصیه‌ها برای عبادت و راز و نیاز در شب است. مثلا:

«واعَدْنا مُوسى‏ أَرْبَعينَ لَيْلَة» (بقره/51) و (اعراف/42)

«يَتْلُونَ آياتِ اللَّهِ آناءَ اللَّيْل» (آل‌عمران/113)و (زمر/9)

«فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ» (هود/81) و (حجر/65)

«أَسْرى‏ بِعَبْدِهِ لَيْلاً» (اسراء/1)

«وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَكَ» (اسراء/79)

« أَلاَّ تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلاثَ لَيالٍ سَوِيًّا» (مریم/10)

«فَأَسْرِ بِعِبادي لَيْلاً» (دخان/23)

«وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ» (ق/40) و (طور/49)

«كانُوا قَليلاً مِنَ اللَّيْلِ ما يَهْجَعُونَ» (ذاریات/17)

«قُمِ اللَّيْلَ إِلاَّ قَليلاً» (مزمل/2)

«إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنى‏ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طائِفَةٌ مِنَ الَّذينَ مَعَک» (مزمل/20)

«إِنَّ ناشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قيلاً» (مزمل/6)

«وَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلاً طَويلاً» (انسان/26)

«وَ لَيالٍ عَشْرٍ» (فجر/2)

اگر به تقابل این تعبیر، با تعبیر «یوم» - که تمام وصفهای قیامت با عنوان «یوم» بیان شده (يَوْمَ الْقِيامَة ، يَوْمِ الدِّين‏ ، يَوْمَ الْحَسْرَةِ، و ...) - توجه شود، می‌توان به نتایجی رسید؛ خصوصا اگر توجه کنیم که آنچه در این دنیا در باطن است در روز قیامت آشکار می‌شود.

4) از ترکیب دو آیه «إِنَّا أَنْزَلْناهُ في‏ لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و « شَهْرُ رَمَضانَ الَّذي أُنْزِلَ فيهِ الْقُرْآن‏» (بقره/185) نتیجه می‌شود شب قدری که قرآن در آن نازل شد، در ماه رمضان بوده است.

نکته: اما اینکه شب قدر در هر سال دقیقا همان شبی باشد که در سالهای قبل بوده، امر مشخص و واضحی نیست؛ و شاید بدین جهت است که در روایات، شب‌های مختلفی به عنوان شب قدر احتمال داده شده و حتی در برخی روایات ایامی غیر از ماه رمضان هم به عنوان شب قدر احتمال داده شده است.

**این نکته صرفا در حد یک احتمال است لذا در کانال نگذاشتم**

5) چرا فرمود «انا انزلناه» و نفرمود «انی انزلته». اگرچه کاربرد جمع در اینجا اصطلاحا از باب متکلم معظم لنفسه است اما ظاهرا در قرآن کریم زمانی که خدا کار خود را با صیغه جمع به خود نسبت می‌دهد مواردی است که اسباب و علل هم در اینجا نقشی داشته‌اند. «در انزال قرآن ملائکه نقش داشته‌اند و با واسطه آنها انجام شده و لذا ضمیر جمع آمده است» (تفسیر نور10/ 543)

## 98) سوره قدر (97) آیه 2 وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ ‏ ‏5/4/1395 19 رمضان 1437

### ترجمه

و چه چيزی آگاهت کرد [= می‌تواند آگاهت کند] كه شب قدر چيست؟

### نکات ترجمه‌ای و نحوی

«ما أَدْراكَ» = ما + أدری + ک:

«ما» در ابتدای این عبارت، آشکارا «اسم استفهام» است (إعراب القرآن و بيانه‏10/ 53؛ إعراب القرآن الكريم‏3/ 45) و جمله سوالی است؛ اما اینکه آیا می‌تواند «مای موصوله» باشد؟ در هیچ إعراب قرآن و هیچ بحث تفسیری یافت نشد که چنین توجیهی بیاید، فقط در یک ترجمه، گویی آن را موصول فرض کرده است چون چنین ترجمه کرده «و خدا چه خوب تو را دانا كرده است كه شب قدر چه اندازه مهم است» (حجة ‌التفاسیر7/ 280)[[7]](#footnote-7) در حالی که لازمه این ترجمه آن است که «ما»ی موصول برای «خدا» استعمال شود که استعمال ناروایی است و برای خدا از «مَن» موصول ‌استفاده می‌شود (مثلا: أمّن یجیب ...)

«ادری» از ریشه «دری» (مصدر معروفش: درایه) به معنای «علم» (آگاه شد و دانست) می‌باشد (المحيط في اللغة‏9/ 343) و چون به باب إفعال رفته، متعدی، و به معنای «أعلم» (آگاه کرد، مطلع کرد) شده است، پس ترکیب «ما أَدْراكَ» به معنای «أَيُّ شي‏ء أَعْلَمَك» «چه چیزی تو را آگاه کرد» [به معنای چه چیزی می‌تواند تو را آگاه کند] می‌باشد (لسان العرب‏14/ 254) بسیاری از مترجمان ترکیب «ما أَدْراكَ» را به صورت «چه می‌دانی» ترجمه کرده‌اند، که ترجمه دقیقی نیست و این عبارت، ترجمه «ما تدری» است. همچنین فعل «أدری» از افعال دو مفعولی است و به لحاظ نحوی، ضمیر «ک» مفعول اول، و جمله «ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ» در مقام مفعول دوم برای آن می‌باشد (إعراب القرآن و بيانه‏10/ 53)

درباره اینکه «دری» با «علم» چه تفاوتی دارد، دیدگاههای مختلفی ابراز شده است. «برخی گفته‌اند تفاوتی ندارند، برخی اولی را اخص از دومی دانسته‌اند و برخی اولی را در جایی دانسته‌اند که قبلش شکی بوده باشد» (تاج العروس19/ 403) همچنین، برخی بر این باورند که «دری» معرفتی است که با نوعی تدبیر حاصل می‌شود (مفردات ألفاظ القرآن/ 313؛ تاج العروس19/ 403) و برخی دیگر معتقدند که اتفاقا معرفتی است که با تحصیل و تهیه مقدمات حاصل نمی‌شود، بلکه از راهی غیر عادی حاصل می‌شود. (التحقيق في كلمات القرآن الكريم‏3/ 208) و برخی هم این گونه توضیح داده‌اند که کلمه «درایه» چون بر وزن «فعاله» است و دلالت بر نوعی شمول و احاطه می‌کند (همانند کلمه عمامه) پس درایه در مورد شناختی به کار می‌رود که عالِم از همه وجوه به معلوم علم داشته باشد. (الفروق في اللغة/ 84) البته با توجه به اینکه همگان معترفند که این ماده در مورد خداوند به کار نمی‌رود، حتی اگر این نظر آخر درست باشد، باز باید حداقل یکی از وجوه قبلی (مانند گذر از فرایند شک، احتیاج به تدبیر، حصول از راهی غیر عادی) نیز در این ماده لحاظ شده باشد.

ضمنا به لحاظ بلاغی، تعبیر «ما أَدْراكَ» دلالت بر عظیم شمردن مطلبی دارد که بعدش می‌آید (إعراب القرآن (نحاس)‏5/ 166) شاید با توجه به این ملاحظه بوده که برخی چنین ترجمه کرده‌اند: (و چه تو را به عظمت اين شب قدر آگاه تواند كرد؛ ترجمه الهی قمشه‌ای) اما به نظر می‌رسد باید این «عظمت» را به کل جمله «ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ» (که در مقام مفعول برای «ما أدراکَ» می‌باشد) برگرداند، نه فقط به عبارت «لَيْلَةُ الْقَدْرِ»؛ یعنی نه فقط خود شب قدر امری عظیم است، بلکه این مطلب (که شب قدر چیست) بقدری عظیم و دشوار است که جای سوال دارد که چه چیزی می‌تواند تو را به حقیقت فهم آن برساند (همان جمله‌ای که در «ترجمه» داخل کروشه گذاشته شد)

### حدیث

1) قِيلَ‏ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع تَعْرِفُونَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ

فَقَالَ وَ كَيْفَ لَا نَعْرِفُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ الْمَلَائِكَةُ يَطُوفُونَ بِنَا فِيهَا.

تفسير القمي، ج‏2، ص432؛ بصائر الدرجات، ج‏1، ص221 [[8]](#footnote-8)

به امام باقر ع گفته شد: آیا شما شب قدر را می‌شناسید؟

فرمود: و چگونه شب قدر را نشناسیم در حالی که ملائکه در آن شب نزد ما در رفت و آمدند.

2) حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ‏ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: ذُكِرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ،

قَالَ مَا أَبْيَنَ فَضْلَهَا عَلَى السُّوَرِ!

قَالَ قُلْتُ وَ أَيُّ شَيْ‏ءٍ فَضْلُهَا؟

قَالَ نَزَلَتْ وَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِيهَا.

قُلْتُ‏ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي نَرْتَجِيهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟

قَالَ نَعَمْ هِيَ لَيْلَةٌ قُدِّرَتْ فِيهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ قُدِّرَتْ وَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِيهَا.

معاني الأخبار، ص316

مفضل بن عمر می‌گوید:

نزد امام باقر ع ذکری از سوره قدر به میان آمد. فرمود: چقدر برتری آن بر سایر سوره‌ها آشکار است!

گفتم: برتری‌اش به چیست؟

فرمود: ولایت امیرالمومنین ع در آن نازل شده است؟

گفتم: در شب قدری که در ماه رمضان امید [درک] آن را داریم؟

فرمود: بله، آن شبی است که [وضعیت] آسمانها و زمین در آن مقدر شده، و ولایت امیرالمومنین ع در آن مقدر شده است.[[9]](#footnote-9)

3) فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‏ أَنَّهُ قَالَ‏:

«إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَ الْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا[[10]](#footnote-10)

وَ قَوْلُهُ‏ «وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» يَعْنِي خَيْرٌ مِنْ أَلْفَ مُؤْمِنٍ وَ هِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ‏

«تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيها» وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ ص‏ وَ الرُّوحُ روح الْقُدُسُ و هو فی فَاطِمَةُ [الرُّوحُ الْقُدُسُ و هِيَ فَاطِمَةُ] ع

« بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» يَعْنِي حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ ع.

تفسير فرات الكوفي، ص582-581؛ تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص792-791

از امام صادق ع روایت شده که فرمود:

إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، «اللیله»، فاطمه س است و «القدر»، الله است پس هرکه فاطمه س را آن گونه که سزاوار است بشناسد، [حقیقتِ] شب قدر را درک کرده است؛ و همان فاطمه نامیده شد چرا که خلق از شناخت او برکنده شده‌اند.

و اینکه فرمود «وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» [بهتر از هزار ماه است] یعنی از هزار مومن، زیرا که او [= فاطمه] مادر مومنان است.

«تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيها» ملائکه، مومنانی هستند که علم آل محمد ص را در اختیار دارند و روح «روح القدس» است که در فاطمه [هم] هست

«بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» [تا فجر طلوع کند] یعنی تا زمانی که قائم ع قیام کند.

چند نکته در فهم این حدیث:

الف. در تفسیر قمی تعبیر «الرُّوحُ الْقُدُسُ و هِيَ فَاطِمَةُ» آمده [به معنای اینکه الروح القدس همان فاطمه است] که اگرچه متن کامل این حدیث در کتاب «تأويل الآيات الظاهرة» نیامده، اما در این فقره، تعبیر این کتاب، تعبیر دقیقتری به نظر می‌رسید [الرُّوحُ روح الْقُدُسُ و هو فی فَاطِمَةُ] که ما همین را در متن و ترجمه آوردیم.

ب. در این گونه احادیث معارفی باید دقت کرد که اولا آنها دلالت حصری ندارند (یعنی مثلا اینکه مومنانی آنچنانی را «ملائکه» خواند منافاتی با نزول ملائکه آسمانی ندارد چنانکه در بسیاری از احادیث دیگر بر همین مطلب هم اشاره شده است و به تعبیر علامه طباطبایی از باب «جری و تطبیق» [تطبیق بر مصداق اعلای خود] است) و ثانیا بر فهم ابتدایی و ظاهری حمل نمی‌شوند، بلکه اشاره به حقیقت باطنی این امور است. دقت کنید که خود آیه، درک شب قدر را کاری بسیار دشوار معرفی کرد؛ و این حدیث، مطلبی را توضیح می‌دهد که خداوند در موردش فرمود «و ما ادراک»[[11]](#footnote-11)

### تدبر

1) «وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ» در قرآن کریم 13 بار تعبیر «و ما ادراک» آمده است که همگی آنها، به غیر از این آیه، درباره قیامت و احوالات آنجاست. پس مقایسه شب قدر در عظمت و پیچیدگی و جهان شمولی و ... با قیامت مقایسه بی‌ربطی نیست. ([جلسه 97 (قدر/1)، تدبر 3](#_تدبر))

2) «وَ ما أَدْراكَ ... »: سوره قدر می‌خواهد مدل محاسباتی ما را تغییر دهد (دیروز، تدبر1). تعبیر «ما ادراک» (چه چیزی می‌تواند تو را به این آگاهی برساند) کاملا به این نکته تاکید می‌کند. متن سوره، پر از مطالبی است که عقل محاسبه‌گر دنیامدار ما را به چالش می‌کشد:

اینکه «یک» بیش از «30 هزار» شود،

اینکه همه ملائکه عوالم سبع (الملائکه) یکجا نازل شوند،

اینکه همه امور (کل امر) را با خود بیاورند،

و از همه مهمتر اینکه انسانی باشد که قرار است مخاطب این همه ملائکه و همه امور قرار بگیرد و ... .

واقعا اگر خدا شب قدر را قرار نداده بود، چگونه ما انسان‌هایی که افق دیدمان محدود، و دل‌مان به یک زندگی صد ساله و حداکثر یک شغل و ازدواج و خانه و ... خوش است، می‌توانستیم باور کنیم که روی همین کره زمین و در کنار ما، انسان‌هایی برتر از همه ملائکه – که همه ملائکه یکجا در یک شب نزد آنها حاضر می‌شوند – وجود دارند؟

اگر فاطمه کبری س، کفو و هم‌رتبه امیرالمومنین ع است،

و اگر روح‌القدس، دست‌کم سالی یکبار پیش پای حضرت علی ع زانوی ادب زمین می‌زد،

آیا اینکه فاطمه س اعظم از روح‌القدس باشد و روح‌القدس در ذیل و سایه او قرار گیرد (حدیث3) آیا امر ناممکنی است؟

آیا ما پیامبر و امامان‌مان را می‌شناسیم؟!

آیا فهمیدیم که آنها در میان ما بودند و نبودند!

اگر پیامبر و امام را نشناسیم، ظرفیت‌های انسان را نمی‌شناسیم، و در نتیجه، ظرفیت‌های خودمان را هم نخواهیم شناخت! آنها نمونه‌ای از مقصد حرکت مایند؛ آمده‌اند تا، هم بفهمیم که چقدر غافل و عقب‌ایم؛ و هم بفهمیم که می‌توان تا کجا رفت، حتی بر‌تر از ملائکه.

ما به فلک بوده‌ایم، یار ملک بوده‌ایم،

باز همان‌جا رویم، جمله که آن شهر ماست!

خود ز فلک برتریم، وز ملک افزونتریم،

زین دو چرا نگذریم؟ منزل ما کبریاست!

گوهر پاک از کجا، عالم خاک از کجا؟

بر چه فرود آمدیت؟ بار کنید! این چه جاست؟

بخت جوان یار ما، دادن جان کار ما

قافله سالار ما، فخر جهان مصطفاست!

<http://ganjoor.net/moulavi/shams/ghazalsh/sh463/>

3) چرا یکدفعه نفرمود «ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ» و فرمود «وَ ما أَدْراكَ ما ...»؟ برخی چیزهاست که ما نمی‌دانیم، اما باید بدانیم. در عین حال به گونه‌ای هستند که با مدل‌های محاسباتی‌مان نمی‌توانیم آنها را بفهمیم.

در مورد اینها چگونه دانستنش بسیار مهمتر از دانستنش است! ابتدا باید این سوال به طور جدی پیش آید که «چه چیزی می‌تواند تو را آگاه سازد که چیست ...؟»، و تا جواب این سوال را پیدا نکنیم، جواب سوالِ مثلا «شب قدر چیست»‌ را پیدا نمی‌کنیم.

این ماه رمضان و این شب‌های قدر فرصت خوبی است تا بفهمیم «چه چیزی می‌تواند ما را آگاه سازد که ... ؟»

دنبال راه دیگری برای شناخت بگردیم.

و این راه با کسانی گره خورده که این شب در اختیار آنهاست. شاید به همین جهت است که اگر آنها را بشناسیم، شب قدر را پیدا می‌کنیم. (احادیث1 و 3)

و شاید به همین جهت است که همه مقدرات کل آسمانها و زمین در عرض مقدر شدن ولایت امیرالمومنین ع مطرح شده است. (حدیث2)

## 99) سوره قدر (97) آیه 3 لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ‏ ‏6/4/1395 20 رمضان 1437

### ترجمه

شب قدر بهتر از هزار ماه است.

### حدیث

1) أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي‌حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ جُعِلْتُ فِدَاكَ اللَّيْلَةُ الَّتِي يُرْجَى فِيهَا مَا يُرْجَى‏ فَقَالَ فِي إِحْدَى وَ عِشْرِينَ أَوْ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ قَالَ فَإِنْ لَمْ أَقْوَ عَلَى كِلْتَيْهِمَا فَقَالَ مَا أَيْسَرَ لَيْلَتَيْنِ فِيمَا تَطْلُبُ قُلْتُ فَرُبَّمَا رَأَيْنَا الْهِلَالَ عِنْدَنَا وَ جَاءَنَا مَنْ يُخْبِرُنَا بِخِلَافِ ذَلِكَ مِنْ أَرْضٍ أُخْرَى فَقَالَ مَا أَيْسَرَ أَرْبَعَ لَيَالٍ تَطْلُبُهَا فِيهَا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ- لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ لَيْلَةُ الْجُهَنِيِ[[12]](#footnote-12)‏ فَقَالَ إِنَّ ذَلِكَ لَيُقَالُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ خَالِدٍ رَوَى فِي تِسْعَ عَشْرَةَ يُكْتَبُ وَفْدُ الْحَاجِ‏ فَقَالَ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَفْدُ الْحَاجِّ يُكْتَبُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ الْمَنَايَا وَ الْبَلَايَا وَ الْأَرْزَاقُ وَ مَا يَكُونُ إِلَى مِثْلِهَا فِي قَابِلٍ فَاطْلُبْهَا فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ وَ صَلِّ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا مِائَةَ رَكْعَةٍ وَ أَحْيِهِمَا إِنِ اسْتَطَعْتَ إِلَى النُّورِ وَ اغْتَسِلْ فِيهِمَا قَالَ قُلْتُ فَإِنْ لَمْ أَقْدِرْ عَلَى‏ ذَلِكَ وَ أَنَا قَائِمٌ قَالَ فَصَلِّ وَ أَنْتَ جَالِسٌ قُلْتُ فَإِنْ لَمْ أَسْتَطِعْ قَالَ فَعَلَى فِرَاشِكَ لَا عَلَيْكَ أَنْ تَكْتَحِلَ أَوَّلَ اللَّيْلِ بِشَيْ‏ءٍ مِنَ النَّوْمِ إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفَتَّحُ فِي رَمَضَانَ وَ تُصَفَّدُ الشَّيَاطِينُ‏ وَ تُقْبَلُ أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ نِعْمَ الشَّهْرُ رَمَضَانُ كَانَ يُسَمَّى عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص الْمَرْزُوقَ.

الكافي، ج‏4، ص157

ابوبصیر به امام صادق ع عرض کرد: فدایت شوم، آن شبی که آنچه جای امیدواری دارد در آن امید می‌رود، کدام است؟

فرمود: شب بیست و یکم یا بیست و سوم!

گفت: اگر نتوانستم هر دو را احیا بدارم، [کدامش است]؟

فرمود: برای آنچه هدفی که داری، دو شب کار سختی نیست!

گفت: گاهی ما هلال ماه را زمانی می‌بینیم اما کسی که از جای دیگری آمده [هلال ماه را] وقت دیگری [شب قبل یا بعدش] دیده است.

فرمود: برای آنچه می‌خواهی چهار شب هم کار سختی نیست!

گفتم: فدایت شوم، شب بیست و سوم شب جُهَنی است [مشهور است عبدالله بن انیس، اهل جهنه، نزد پیامبر آمد و گفت به خاطر فاصله دور، آمدن به مدینه هرشب رمضان برایم سخت است؛ یک شب را بگویید که من برای نماز و دعا بیایم. پیامبر ص در گوشش مطلبی گفت، و او شبهای بیست و سوم می‌آمد، و شب بیست و سوم به شب جهنی معروف شد]

حضرت فرمود: این طور می‌گویند!

گفتم: فدایت شوم، سلیمان بن خالد روایت کرده که در شب نوزدهم نام حاجیان ثبت می‌شود.

فرمود: ابامحمد! نام حاجیان و نیز خوشی‌ها و سختی‌ها و روزی‌ها و آنچه مانند اینها تا سال بعد قرار است رخ دهد، در شب قدر ثبت می‌شود؛ تو در شب‌های بیست و یکم و بیست سوم درصدد آن باش، و در هریک از این دو شب، صد رکعت نماز بجای آر و اگر می‌توانی تا [دیده شدن] نور [خورشید]، آن دو را احیا بدار و در آن دو غسل کن!

گفتم اگر نتوانستم [نماز را] در حال ایستاده انجام دهم؟

فرمود: نماز را در حال نشسته بجای آر!

گفتم:‌ اگر آن را هم نتوانستم؟

فرمود: [لااقل] توی رختخوابت! [= خوابیده نماز را بجای آر] البته اشکالی برایت ندارد که اول شب اندکی بخوابی! بدرستی که درهای آسمان در رمضان گشوده می‌شود و شیاطین در غل و زنجیر می‌شوند و اعمال مومنین مقبول قرار می‌گیرد. چقدر رمضان ماه خوبی است! زمان رسول خدا ص اسمش را «مرزوق» [روزی داده شده] گذاشته بودند.

2) أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى الْقَمَّاطِ عَنْ عَمِّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ص فِي مَنَامِهِ بَنِي أُمَيَّةَ يَصْعَدُونَ عَلَى مِنْبَرِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ يُضِلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ الْقَهْقَرَى فَأَصْبَحَ كَئِيباً حَزِيناً قَالَ فَهَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ ع [[13]](#footnote-13)... فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ نَزَلَ عَلَيْهِ بِآيٍ مِنَ الْقُرْآنِ يُؤْنِسُهُ بِهَا قَالَ‏ أَ فَرَأَيْتَ‏ إِنْ مَتَّعْناهُمْ سِنِينَ ثُمَّ جاءَهُمْ ما كانُوا يُوعَدُونَ ما أَغْنى‏ عَنْهُمْ ما كانُوا يُمَتَّعُونَ‏ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ- إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ- لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِنَبِيِّهِ ص خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مُلْكِ بَنِي أُمَيَّةَ .

الكافي، ج‏4، ص160؛ تفسير القمي، ج‏2، ص431 [[14]](#footnote-14)؛ مناقب آل أبي طالب ع، ج‏4، ص36 [[15]](#footnote-15)؛ إعلام الورى بأعلام الهدى، ص36 [[16]](#footnote-16)؛ مقدمه الصحيفة السجادية، ص20 [[17]](#footnote-17)؛ تأويل الآيات الظاهرة ،ص791 [[18]](#footnote-18)و 793[[19]](#footnote-19)

برخی از منابع اهل سنت در مورد این روایت:

المعجم الکبیر طبرانی3/ 89 ؛ سنن ترمذی5/ 444 و 301 ؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم النیسابوری3/192 ؛ تفسیر الثعلبی10/ 257 [[20]](#footnote-20)

از امام صادق ع روایت شده است:

پیامبر اکرم ص در خواب دیدند که بنی‌امیه از منبر ایشان بالا می‌روند و مردم را عقب‌عقب به گمراهی می‌کشانند. صبح با ناراحتی بیدار شدندو جبرئیل بر ایشان نازل شد و ... چیزی نگذشت که آیه‌ای از قرآن را نازل کرد که به آن انس گیرد و فرمود: «آیا دیدی اگر آنها را ساليانى برخوردار ساختيم؛ سپس آنچه وعده داده مى‏شدند به سراغشان بيايد، آیا آنچه بدان متنعّم بودند چيزى (از عذاب خدا) را از آنها باز مى‏گرداند؟» (شعراء/203-205) و نیز بر او نازل کرد: «ما آن را در شب قدر نازل کردیم، و چه چيزی می‌تواند آگاهت کند كه شب قدر چيست؟ شب قدر از هزار ماه بهتر است» و خداوند عز و جل شب قدر را برای پیامبرش بهتر از هزار ماه سلطنت بنی‌امیه قرار داد.

این روایت با اندکی تفاوت (از جمله اینکه در آنها سوره کوثر به جای آیات سوره شعراء مطرح شده) در کتب اهل سنت (آدرسهای فوق) آمده و یکی از سلسله راویان این حدیث در کتب اهل سنت قاسم بن فضل حُدّانی است که بعد از نقل حدیث گفته است: «فَحَسَبْنَا ذَلِكَ، فَإِذَا هُوَ أَلْفٌ لَا يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ» یعنی ما [دوره حکومت بنی‌امیه را] محاسبه کردیم، دقیقا هزار ماه بود، بدون هیچ کم و زیادی.

[توضیح: معاویه سال 40 قمری حکومت را به دست گرفت و در سال 132 توسط عباسیان سرنگون شدند. که 92 سال می‌شود. اگر مدت زمان حکومت ابن‌زبیر– که در اواسط دوره بنی‌امیه 8 سال و 8 ماه حکومت را به دست گرفت – از آن کم کنیم 83 سال و 4 ماه می‌شود که دقیقا معادل 1000 ماه است. برگرفته از پاورقیِ «الوافي، ج‏11، ص379».]

3) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفُضَيْلِ وَ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ حُمْرَانَ‏ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- ... لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ أَيُّ شَيْ‏ءٍ عُنِيَ بِذَلِكَ فَقَالَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ أَنْوَاعِ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ لَوْ لَا مَا يُضَاعِفُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِلْمُؤْمِنِينَ مَا بَلَغُوا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُضَاعِفُ لَهُمُ الْحَسَنَاتِ بِحُبِّنَا.

الكافي، ج‏4، ص158

از امام باقر ع سوال می‌شود منظور از اینکه فرموده «شب قدر بهتر از هزار ماه است» چیست؟ فرمودند:

عمل صالح مانند نماز و صدقه و سایر کارهای خوب در آن [= در این یک شب] بهتر از انجام عمل در هزار ماهی است که در آن شب قدر نباشد و اگر نبود که خداوند برای مومنان [حسناتشان را ] مضاعف می‌کند، هیچگاه [به آنجا که باید و شاید] نمی‌رسیدند ولی خداوند به خاطر محبت آنها نسبت به ما حسناتشان را مضاعف می‌کند.[[21]](#footnote-21)

### تدبر

1) «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»: هر عمل ما یک نتیجه‌ای در رشد ما می‌گذارد که به طور عادی انتظارش را داریم. اما شب قدر هر کاری انجام دهیم، انتظار نتیجه‌ای بیش از سی‌هزار برابر باید داشته باشیم. (حدیث3) حساب کنید لحظه‌لحظه‌های امشب چقدر می‌ارزد؟ اگر این مطلب را جدی بگیریم، می فهمیم که چرا برخی از بزرگان گفته‌اند می‌ارزد از یک سال قبل برای بهره‌برداری از شب قدر آماده شد! ما از چه مدت قبلش آماده می‌شویم؟

اگر امشب گذشت، تا پس‌فردا جدی مراقب خودمان باشیم!

و اگر امسال را هم از دست دادیم برای سال بعد از همین رمضان خیز برداریم!

2) «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»: اما چرا؟

الف. بعد از مدتی در غل و زنجیر بودن شیاطین، امشب درهای آسمان باز شده و همه فرشتگان نازل می‌شوند (قدر/4). به جای اینکه ما به آسمان برویم، آسمانیان به زمین آمده‌اند. پس زمین ظرفیت آسمانیان را پیدا کرده است. شبی که چنین باشد به بیش از هزار ماه می‌ارزد!

ب. امشب امام زمان ع بار عام داده است و فرشتگان زودتر از همه به این بار عام تشرف می‌یابند. (قدر/4) آیا یک شب محضر امام زمان را درک کردن به بیش از هزار ماه زندگی بی‌امام نمی‌ارزد؟!

ج. حقیقت شب قدر، حقیقت ولایت امیرالمومنین ع (حدیث2 دیروز) و باطن حضرت زهرا س (حدیث 3 دیروز) است. وقتی در امشب تنفس می‌کنیم یعنی همه ما، در کنار فرشتگان (قدر/4) اجازه می‌یابیم در فضای انسان کامل تنفس کنیم. تنفس در فضای انسانی که خلیفه‌الله است، اثری که در رشد انسان می‌گذارد، قابل مقایسه با وضعیت عادی ما نیست؛ و یک شب‌اش به بیش هزار ماه می‌ارزد!

د. از زمان خلیفه دوم و تا حدود صد سال بعد از رحلت پیامبر ص نقل احادیث پیامبر ممنوع بود، و این در حالی بود که آخوندهای درباری بنی‌امیه دستشان در جعل هرگونه حدیثی باز بود! وقتی به اسم اسلام، امام حسین ع و یارانش را در روز روشن شهید می‌کنند، دیگر چه چیزی از اسلام باقی می‌ماند؟ ضربه‌ای که بنی‌امیه به اسلام وارد کرده‌اند غیرقابل تصور است و انسان وقتی تاریخ را می‌خواند با خود می‌گوید آیا وقتی بین ما و پیامبر ص، بنی‌امیه فاصله شده، آیا چیزی از اسلام به ما رسیده است؟ و خدا پاسخ می‌دهد، بله! اگر آنها هزار ماه حکومت کردند، یک شب قدری را خدا به پیامبرش داد که ثمرات آن هزار ماه را خنثی کند (حدیث2) چگونه؟ حداقلش اینکه بنی‌امیه، راه‌های عادی رسیدن احادیث پیامبر ص را سد کردند، اما هر سال دست کم یک نفر بوده که همه مقدرات عالم نزد او رقم می‌خورده و همه فرشتگان نزد او حاضر می‌شدند و همه دانش‌های مربوط به عالَم (از جمله هر علمی که برای شناخت درست و بی‌نقص دین مورد نیاز بوده) در اختیار او قرار می‌گرفته است. (کافی1/ 252؛ ان‌شاءالله این حدیث در بحث فردا خواهد آمد) ‌پس اگر کسی شب قدر را جدی بگیرد، علی‌رغم مشاهده هزار ماه انحراف‌افکنی توسط بنی‌امیه، خیالش از اینکه - با مراجعه به اهل‌بیت - می‌توان دین اسلام را بدون هیچ گونه تحریف و کم‌وزیادی دریافت کرد، راحت می‌شود. پس آیا این شب به بیش از هزار ماه نمی‌ارزد؟!

ه. ...

و. اما همه اینها در حد فهم ما بود. وگرنه «و ما ادراک ما لیلة القدر»؟

3) «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»:

از کنار هم گذاشتن احادیثی که درباره‌ این آیه آمده، به نکته زیبایی می‌توان رسید:

- حضرت زهرا س، باطن شب قدر است (حدیث3 دیروز)

- خدا شب قدر را قرار داده تا اثر هزار ماه انحرافی را که بنی‌امیه در تاریخ گذاشتند خنثی کند (حدیث2)

- مهمترین انحرافی که در اسلام رقم خورد، انحراف در مسیری بود که پیامبر ص برای دریافت معتبر دین اسلام معرفی کرده بود (به تعبیر روی منبر پیامبر رفتن و صراط قهقری در حدیث2 توجه شود)؛ یعنی انحراف در تشخیص اینکه جانشینان واقعی پیامبر ص که قرار است مسیر صحیح وی را به مردم نشان دهند، کیانند.

نتیجه: حضرت زهرا س، شب قدر پربرکتی است که در تاریکترین برهه تاریخ، نوری برای شناختن مسیر صحیح بعد از پیامبر ص تاباند که هزار ماه ظلمات بنی‌امیه نتوانست خاموشش کند!

چگونه؟

اقدامات ایشان (اعتراضات علنی و نهایتا دفن مخفیانه، که حتی اجازه نماز خواندن بر پیکر خود را به خلیفه وقت ندادند) علامت سوال پررنگی در تاریخ باقی گذاشت که با آن همه تبلیغات و احادیث جعلی دوره بنی‌امیه، هنوز هم اگر کسی (حتی بدون دسترسی به کتب شیعه) بخواهد حق مساله را در مورد مسیری بررسی کند که پیامبر ص برای دریافت معتبر دین اسلام معرفی کرده،‌ تا به حقیقت نرسد، آن علامت سوال کنار نمی‌رود!

#### شکافته شدن فرق مولی‌الموحدین و الصراط المستقیم بر همه حق‌جویان عالم تسلیت باد

بسم الله الرحمن الرحیم

شهادت جان‌سوز و جهان‌سوز مظهر اعلای عبودیت و عدالت، عظیم‌ترین آیت خداوند در عالم خلقت، دروازه علم نبوت، بر همه عاشقان حق و حقیقت، و دل‌سوختگان حریم ولایت، تسلیت.

ان‌شاءالله خداوند متعال به حق این روزها و شب‌های مبارک، توفیق ثبت نام در جمع شیعیان حقیقی آن حضرت و فرزند عدالت‌گسترشان را به همه ما عنایت فرماید.[[22]](#footnote-22)

## 100) سوره قدر (97) آیه 4 تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ‏ ‏7/4/1395 21 رمضان 1437

### ترجمه

الف. همه ملائکه و روح در آن [شب] به اذن پروردگارشان از برای همه کارها [تدبیر همه «امور»، ویا اطاعت و انجام همه «اوامر» الهی] نازل می‌شوند.

ب. همه ملائکه و روح در آن [شب] به اذن پروردگارشان، از کل [عالَمِ] امر، نازل می‌شوند.

### نکات ترجمه‌ای و نحوی

«تَنَزَّلُ» این فعل مضارع است که در اصل «تَتَنَزَّلُ» بوده است که به خاطر اجتماع دو «تـ»، یکی حذف شده است (ماضی آن: «تَنَزَّلَت» است) و مضارع بودنش دلالت بر این دارد که این تنزل، مطلبی نیست که یکبار انجام و تمام شده باشد؛ شاید به همین جهت است که در آیه اول این سوره، نزول قرآن را با فعل ماضی (أنزلنا) آورد (چون قرآن نازل شد و تمام گشت) اما اینجا از فعل مضارع استفاده کرد زیرا همان طور که شب قدر هر سال تکرار می‌شود، نزول ملائکه نیز تکرار می‌شود. ضمنا (آن طور که در [جلسه 97](#_نکات_ترجمه‌ای_و) بیان شد) وقوع ماده «نزل» در وزن «تفعل» دلالت می‌کند که موجودی که قرار است نازل شود، نسبت به این حالت نزول، حالت آمادگی دارد و از روی اختیار این نزول را انجام می‌دهد.

«الْمَلائِكَةُ» : برخلاف آنچه شاید در ابتدا به نظر برسد، بسیاری از اهل لغت، حتی برخی از کسانی که این کلمه را در ذیل ماده «م‌ل‌ک» مورد بررسی قرار داده‌اند (مثلا المحيط في اللغة‏6/ 275؛ مجمع البحرين‏5/ 292) بر این باورند که کلمه «ملائکه» لزوماً از این ریشه «م‌ل‌ک» نیست.

معروفترین دیدگاه این است که اصل آن از «أل‌ک» بوده است که به معنای «رسالت» (پیام‌رسانی) می‌باشد و در وزن مفعله (مألکه) قرار گرفته، بعد قلب رخ داده (جابجایی دو حرف «أ» و «ل») و به صورت «ملأکه» (بر وزن معفله) درآمده و بعد به صورت «ملائکه» درآمده است. در این دیدگاه، درباره اینکه آیا «ملَک» به معنای مفرد است یا جمع، نظر قطعی‌ای داده نمی‌شود و برخی ملائکه را جمع ملک می‌دانند و برخی هر دو کلمه ملَک و ملائکه را جمع می‌دانند. (كتاب العين‏5/ 381؛ لسان العرب10/ 394 ؛ المصباح المنير‏2/ 19 ؛ تاج العروس‏13/ 511 ؛ مفردات ألفاظ القرآن/82)

دیدگاه کم طرف‌دارتر این است که قلبی در آن رخ نداده، بلکه ریشه «ل‌أک» بوده و این ماده هم به معنای رسالت (پیام‌رسانی) به کار می‌رود؛ و در اصل، «مَلْأَك» (بر وزن مَفعل) بوده است و در این کلمه، به خاطر سهولت در بیان، همزه ساقط شده و به صورت «مَلَک» درآمده و آنگاه جمع «مَلْأَك»، ملائکه شده که گاهی «ه» آن هم می‌افتد و «ملائک» گفته می‌شود. (النهاية في غريب الحديث و الأثر‏4/ 359) البته برخی در کتابشان ماده «لأک» را هم مطرح کرده‌اند، اما در پایان نظر قبلی را برتر دانسته‌است. (لسان العرب‏10/ 482؛ تاج العروس‏13/ 634)

البته در میان قدما ابن‌کیسان معتقد بوده این کلمه از همان ماده «م‌ل‌ک» گرفته شده، در واقع مفرد آن «ملأک» بر وزن «فعأل» بوده که همزه‌اش چون زاید بوده افتاده و به «مَلَک» تبدیل شده و «ملائکه» بر وزن «فعائله» می‌باشد. (به نقل از مجمع البيان‏1/ 174) که بر این دیدگاه نقدهایی نیز وارد شده است. (لسان العرب‏10/ 482)[[23]](#footnote-23)

ظاهرا چون مهمترین گروه رسولان الهی غیر انسان، فرشتگان بوده‌اند این نام برای آنها به کار رفته است وگرنه با توجه به آیه «يَصْطَفِي مِنَ الْمَلائِكَةِ رُسُلًا وَ مِنَ النَّاسِ» فرشتگان غیر رسول هم داریم (مجمع البيان‏1/ 175)

همچنین با این اوصاف معلوم می‌شود که تعبیر «مَلِک» که به معنای حکمران در انسان [و نیز خدا] به کار می‌رود از ماده «م‌ل‌ک» است؛ اما آنچه در مورد فرشتگان است «ملَک» است که در اصل به معنای «پیام‌رسان» می‌باشد. (مفردات ألفاظ القرآن/777)

از آنجا که کلمه «ملائکه» جمع است و در این آیه روی آن حرف «الـ» آمده است (اصطلاحا: حمع مُحَلی به الف و لام) دلالت بر این شمول همه ملائکه می‌کند لذا در ترجمه فارسی کلمه «همه» افزوده شد.

[در مورد «مَلَک» ظاهرا دیدگاه درست این است که هم برای مفرد و هم برای جمع به کار می‌رود (مجمع البيان‏10/ 520) و در قرآن کریم،

این کلمه گاه به وضوح برای مفرد (ما أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبابِلَ هارُوتَ وَ مارُوت؛ بقره/102؛ أَنْ تَكُونا مَلَكَيْنِ ، اعراف/20 ؛ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذي وُكِّلَ بِكُم، سجده/11 ؛ ْ إِنِّي مَلَک، انعام/50 و هود/31 ؛ ً إِنْ هذا إِلاَّ مَلَكٌ كَريمٌ ، یوسف/31 ؛ لَوْ لا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذيراً ، فرقان/7)

و گاه آشکارا برای جمع (جاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا؛ فجر/22 ؛ وَ كَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّماواتِ لا تُغْني‏ شَفاعَتُهُم‏، نجم/26)

و در یک آیه هم در آن واحد هم به معنای مفرد و هم به صورت جمع به کار رفته است (وَ لَوْ جَعَلْناهُ مَلَكاً لَجَعَلْناهُ رَجُلاً وَ لَلَبَسْنا عَلَيْهِمْ ما يَلْبِسُونَ ، انعام/9)[[24]](#footnote-24)

البته برخی موارد هم هست که وضوح قطعی در مفرد یا جمع ندارد (لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنا مَلَكاً ، انعام/8 ؛ جاءَ مَعَهُ مَلَكٌ ، هود/12 ؛ لَنَزَّلْنا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّماءِ مَلَكاً رَسُولاً ، إسراء/95 ؛ وَ الْمَلَكُ عَلى‏ أَرْجائِها وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمانِيَةٌ ؛ الحاقه/17) ]

«مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» اغلب، این جار و مجرور را متعلق به فعل «تنزل» دانسته‌اند، و کلمه «سلام» در آیه بعد، خبر مقدم است که مبتدای آن «هی» در همان آیه می‌باشد. (ما بر همین اساس ترجمه کرده‌ایم) اما این احتمال هم منتفی نیست که این جار و مجرور، خبر مقدم باشد برای کلمه «سلام» که در آیه بعد آمده است؛ که منظور این است که «از هر امری از جانب ملائکه، سلامی بر مومنان باد» یا اینکه «از هر امر ترسناکی در این شب سلامت هستید» (إعراب القرآن، (نحاس)5/ 167؛ مجمع البيان10/ 791) که در این صورت، در آیه بعد عبارت «هی حتی مطلع الفجر» نیز یک عبارت مستقل می‌شود[[25]](#footnote-25) و آنگاه ترجمه کل این دو آیه چنین می‌شود: «در این شب، همه ملائکه و نیز روح نازل می‌شوند؛ سلام [در این شب] از جانب هر امری است؛ و [زمان نزول ملائکه در] این شب تا هنگام طلوع فجر می‌باشد»

درباره اینکه معنای «مِن» در اینجا چیست چند دیدگاه بیان شده (که بنا به قاعده امکان استعمال یک لفظ در چند معنا، همگی می‌تواند در آیه مد نظر باشد) برخی آن را به معنای «باء» دانسته‌اند (یعنی «تنزل ... بکل امر» که معنایش می‌شود: «همه چیز را با خود به همراه می‌آورند» و این معنایی است که در برخی از احادیث از معصومین وارد شده است) برخی آن را «من ابتدای غایت که دلالت بر سببیت می‌کند»[[26]](#footnote-26) دانسته‌اند (= به سبب [اطاعت و انجام] همه اوامر الهی)؛ برخی آن را تعلیل به وسیله غایت دانسته‌اند (= برای تدبیر همه امور)[[27]](#footnote-27)؛ و برخی آن را ابتدای از باب سببیت دانسته‌اند (مبدا و علت تنزلشان از امر الهی بوده است) (المیزان20/ 332)

درباره «امر» اینجا سه معنا می‌تواند مد نظر باشد. دو معنای «امر» قبلا در جلسه 83 (نساء/59) اشاره شد (امر به معنای مطلب، و به معنای دستور) که در ترجمه اول این دو معنا مد نظر بود که اولی جمعش «امور» ‌است و دومی جمعش «اوامر» است. معنای سوم، کاربرد خاص قرآنی از این کلمه است که در لسان قرآن کریم، «امر»‌ به معنای عالَمی از عوالمی که خدا آفریده و برتر از عالم محسوس و مادی است به کار رفته، که ان‌شاءالله به مناسبتی دیگر سراغ این معنا خواهیم رفت (ترجمه دوم بر اساس این معنا بوده است.)

### حدیث

1) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْمُخْتَارِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع .... [[28]](#footnote-28) فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَ لَيْسَ الرُّوحُ جَبْرَئِيلَ قَالَ جَبْرَئِيلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ خَلْقٌ أَعْظَمُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَ لَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ‏ تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ‏.

بصائر الدرجات، ج‏1، ص464

ابوبصیر از امام صادق ع سوال می‌کند: «آیا «الروح» همان جبرئیل نیست؟

امام می‌فرمایند: «جبرئیل از ملائکه است، و روح مخلوقی عظیمتر از ملائکه است، آیا خداوند [در سوره قدر] نفرموده است که «همه ملائکه و روح نازل می‌شوند» [یعنی همین که کلمه روح را مستقل آورد، پس متفاوت است]

2) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ قَالَ: عَرَضْتُ هَذَا الْكِتَابَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فَأَقَرَّ بِهِ قَالَ

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ عَلِيٌّ ع فِي‏ صُبْحِ أَوَّلِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي كَانَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص سَلُونِي‏ فَوَ اللَّهِ لَأُخْبِرَنَّكُمْ بِمَا يَكُونُ إِلَى ثَلَاثِمِائَةٍ وَ سِتِّينَ يَوْماً مِنَ الذَّرِّ فَمَا دُونَهَا فَمَا فَوْقَهَا ثُمَّ لَأُخْبِرَنَّكُمْ بِشَيْ‏ءٍ مِنْ ذَلِكَ لَا بِتَكَلُّفٍ وَ لَا بِرَأْيٍ وَ لَا بِادِّعَاءٍ فِي عِلْمٍ إِلَّا مِنْ عِلْمِ اللَّهِ وَ تَعْلِيمِهِ وَ اللَّهِ لَا يَسْأَلُنِي أَهْلُ التَّوْرَاةِ وَ لَا أَهْلُ الْإِنْجِيلِ وَ لَا أَهْلُ الزَّبُورِ وَ لَا أَهْلُ الْفُرْقَانِ إِلَّا فَرَّقْتُ بَيْنَ كُلِّ أَهْلِ كِتَابٍ بِحُكْمِ مَا فِي كِتَابِهِمْ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَ رَأَيْتَ مَا تَعْلَمُونَهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ هَلْ تَمْضِي تِلْكَ السَّنَةُ وَ بَقِيَ مِنْهُ شَيْ‏ءٌ لَمْ تَتَكَلَّمُوا بِهِ قَالَ لَا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّهُ فِيمَا عَلِمْنَا فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَنْ أَنْصِتُوا لِأَعْدَائِكُمْ لَنَصَتْنَا فَالنَّصْتُ أَشَدُّ مِنَ الْكَلَامِ.

بصائر الدرجات، ج‏1، ص223

حسن به عباس می‌گوید: اعتبار این حدیث مکتوب را از امام جواد ع سوال کردم و آن را تایید کرد که:

امام صادق ع می‌فرماید: حضرت علی ع در صبحدم اولین «شب قدر» پس از رحلت پیامبر اکرم ص، فرمود: از من سوال کنید که به خدا قسم برای شما درباره سیصد و شصت روز از [عالَم] ذر و کمتر و بیشترش خبر می‌دهم و این خبری که می‌دهم، نه از روی تکلف است، و نه نظر شخصی است، و نه ادعای علمی دارم غیر از علم خدا و تعلیمی که او به من داده است، به خدا قسم اهل تورات و اهل انجیل و اهل زبور [= کتاب حضرت داود] و اهل فرقان [= قرآن] از من سوالی نکنند مگر اینکه برای اهل هر کتابی بر اساس کتاب خودشان حکم کنم.

به امام صادق ع گفتم آیا در مورد آنچه که در شب قدر از آن مطلع شده‌اید آیا ممکن است که سال بگذرد و چیزی از آنها بماند که در موردش سخنی نگفته باشید؟

فرمود: نه، سوگند به کسی که جانم به دست اوست. هرچند [ممکن است] در آنچه که در آن شب دانسته‌ایم این باشد که در مقابل دشمنانتان سکوت کنید [یعنی این مطالب را به کسانی که منکر مقام شما هستند، نگویید]؛ که در این صورت سکوت می‌کنیم که سکوت شدیدتر از کلام است.[[29]](#footnote-29)

3) وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ:

يَا مَعْشَرَ الشِّيعَةِ خَاصِمُوا بِسُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ تَفْلُجُوا فَوَ اللَّهِ إِنَّهَا لَحُجَّةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ وَ إِنَّهَا لَغَايَةُ عِلْمِنَا ...

الكافي، ج‏1، ص249

وَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع‏

... وَ ايْمُ اللَّهِ إِنَّ مَنْ صَدَّقَ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ لَيَعْلَمُ أَنَّهَا لَنَا خَاصَّةً لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص لِعَلِيٍّ ع حِينَ دَنَا مَوْتُهُ «هَذَا وَلِيُّكُمْ مِنْ بَعْدِي فَإِنْ أَطَعْتُمُوهُ رَشَدْتُمْ» وَ لَكِنْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِمَا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مُنْكِرٌ وَ مَنْ آمَنَ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ مِمَّنْ عَلَى غَيْرِ رَأْيِنَا فَإِنَّهُ لَا يَسَعُهُ فِي الصِّدْقِ إِلَّا أَنْ يَقُولَ إِنَّهَا لَنَا وَ مَنْ لَمْ يَقُلْ فَإِنَّهُ كَاذِبٌ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يُنَزِّلَ الْأَمْرَ مَعَ الرُّوحِ وَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى كَافِرٍ فَاسِقٍ فَإِنْ قَالَ إِنَّهُ يُنَزِّلُ إِلَى الْخَلِيفَةِ الَّذِي هُوَ عَلَيْهَا فَلَيْسَ قَوْلُهُمْ ذَلِكَ بِشَيْ‏ءٍ وَ إِنْ قَالُوا إِنَّهُ لَيْسَ يُنَزِّلُ إِلَى أَحَدٍ فَلَا يَكُونُ أَنْ يُنَزَّلَ شَيْ‏ءٌ إِلَى غَيْرِ شَيْ‏ءٍ وَ إِنْ قَالُوا وَ سَيَقُولُونَ لَيْسَ هَذَا بِشَيْ‏ءٍ فَقَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيداً.

الكافي، ج‏1، ص253

از امام باقر ع روایت شده است:

در بحث‌هایتان [با منکران جایگاه اهل‌بیت] به سوره «إنا انزلناه» استناد کنید تا پیروز شوید که به خدا قسم، این سوره حجت خداوند تبارک و تعالی بر مردم بعد از رسول خدا ص است و آن سرور و سالار دین شماست و بدرستی که آن نهایت علم ماست ...

و نیز فرمودند:

... به خدا قسم کسی که به شب قدر اذعان کند قطعا خواهد دانست که آن [امتیاز] خاص ماست چرا که رسول خدا ص هنگامی که مرگش نزدیک شده بود، با اشاره به حضرت علی ع فرمود: «این ولیّ شما پس از من است که اگر از او اطاعت کنید، رشد خواهید کرد» و کسی که به شب قدر ایمان نیاورد، منکر [نبوت و قرآن] است؛ و کسی که به شب قدر ایمان دارد اما دیدگاه دیگری دارد [ امامت امیرالمومنین ع و اهل‌بیت را قبول ندارد] چاره‌ای ندارد جز اینکه تصدیق کند که این در مورد ماست، و کسی که چنین نگوید دروغگوست زیرا خداوند عز و جل برتر از آن است که «أمر» را همراه با روح و ملائکه به کافر و فاسق نازل کند؛ و اگر بگوید که اینها بر خلیفه‌ای که او بدانها معتقد است نازل شده، که حرفش اصلا [حتی برای خودش] قابل اعتنا نیست؛ و اگر بگوید که اینها اصلا بر کسی نازل نشده‌اند معنی ندارد که چیزی، «به هیچکس» نازل شود؛ و اگر هم بگویند [هیچکس] اصلا چیزی نیست، در گمراهی شدیدی فرو رفته‌اند.

[توضیح: امام برای اینکه «فرشتگان بر چه کسی نازل می‌شوند» تمام حالات ممکن را در پنج حالت را تصویر می‌کنند تا معلوم شود فقط اولی درست است:

1- به امامان که تنها مدعیان این مساله بوده‌اند نازل شوند.

2- به یک فرد کافر و فاسق نازل شوند، که معلوم است خطاست.

3- به خلفای معروف نازل شوند، که حتی خودشان و اطرافیانشان چنین ادعایی نکرده و چنین باوری نداشته‌اند.

4- به «هیچکس» نازل می‌شوند!

5- نازل شدن آنها هیچ مخاطبی ندارد و بیهوده نازل می‌شوند]

### تدبر

1) استدلال شیرین و محکمی از امام باقر ع در اثبات ضرورت امامت اهل بیت

حدیثی هست که خیلی زیبا نشان می دهد که چگونه با توجه به وجود شب قدر، حقانیت دیدگاه شیعه در جانشینی امیرالمومنین ع را برای هر مسلمان منصفی اثبات کرد (مصداقی کاربردی از حدیث3).

پیشاپیش از اینکه متن آن طولانی است، پوزش می‌خواهم اما برای اهل استدلال، به عنوان نمونه‌ای اعلی از یک تدبر قرآنی، بسیار شیرین است و من هم ابتدا و انتهایش که درباره موضوعات دیگر بود حذف کردم. (متن عربی حدیث را در پایان آمده است)

از امام جواد ع نقل شده که امام صادق ع فرموده است روزی پدرم مشغول طواف بود شخصی که با عمامه‌اش صورتش را پوشانده بود سراغش آمد و طواف ایشان را قطع کرد [و سخنانی رد و بدل شد تا بدینجا که] امام باقر ع فرمود:

شیعیان ما این گونه با مخالفانشان می‌توانند بحث کنند که:

خداوند عز و جل به پیامبرش می‌فرماید: «بدرستی که ما آن را در شب قدر فروفرستادیم ...»[تا آخر سوره]؛ آیا در علم پیامبر ص چیزی بوده که در آن شب به او یاد نداده باشند و جبرئیل در غیر آن شب بیاورد؟

آنها خواهند گفت خیر.

پس به آنها بگو: هرآنچه را که دانست، چاره‌ای جز ابرازش داشت؟

خواهند گفت: خیر.

بگو: آیا در خود آن چیزی که پیامبر ص از علم خداوند عزوجل [که به او تعلیم داده بود] ابراز کرد، اختلاف و ناسازگاری‌ای بود؟

وقتی که گفتند: نه، بگو پس کسی که بر اساس «حکم الله»ی که دارای اختلاف و ناسازگاری است [!] حکم می‌کند، پس خلاف رسول خدا عمل کرده است!

و خواهند گفت: بله، چون اگر بگویند خیر [مخالفت نکرده]، سخن اولشان را نقض کرده‌اند [زیرا «حکم الله» در سخن پیامبر اختلاف و ناسازگاری نداشت، اما در نظر اینها دارد]. پس تو به آنها بگو «تاویل آن را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند» (آل‌عمران/7) و وقتی گفتند «راسخان در علم» کیست؟ بگو: همان کسی که در علمش اختلاف و ناسازگاری پیدا نمی‌شود.

اگر گفتند: چه کسی این طور است؟

بگو: خود رسول خدا ص که این طور بود، آیا علم خود را ابلاغ کرد یا خیر؟

وقتی که گفتند: بله، ابلاغ کرد،

بگو: آیا در حالی از دنیا رفت که جانشین پس از او، علمی را که در آن اختلاف نباشد، می‌دانست؟

اگر گفتند نه،

بگو جانشین رسول خدا «مُؤَيَّد» (= مورد تایید) است [یعنی برای اینکه بتواند دقیقا کار او را انجام دهد باید مورد تایید الهی باشد] و رسول خدا ص کسی را جانشین خود قرار نمی‌دهد مگر کسی که به حکم او حکم کند؛ و جز در [بهره‌مندی از] نبوت، همانند او باشد؛ و اگر رسول خدا کسی را در این علمش جانشین خود نکرد، پس حق نسل‌های بعدی را ضایع کرده است.

اگر گفتند: علم رسول خدا از قرآن بود [یعنی پیامبر کار ابلاغ را با همین ارائه قرآن انجام داد و بعدی‌ها هم چون قرآن را در اختیار دارند مشکلی ندارند]،

بگو : خداوند می‌فرماید: «حم، قسم به کتاب مبین، بدرستی که ما آن را در شبی مبارک نازل کردیم که ما قطعا انذار دهنده هستیم، در آن شب مبارک هر امر حکیمانه‌ای تفصیل می‌یابد، و این امری از جانب پروردگارت است که ما قطعا ارسال کننده هستیم» (دخان/2-4)

اگر گفتند: خداوند ارسال را جز از طریق پیامبر[ان] انجام نمی دهد، [یعنی این آیه درباره ارسال پیامبران است و می‌دانیم که پیامبر آخرین رسول خداست]

بگو: این امر حکیمانه‌ای که در آن شب تفصیل می‌یابد، آیا توسط ملائکه و روحی است که از آسمانی به آسمان دیگر نازل می‌شوند یا از آسمان به زمین؟

[الف] اگر گفتند: از آسمان به آسمان، بگو که در آسمان کسی نیست که قرار باشد از طاعت به معصیت روی آورد [تا نیاز باشد طبق آیه سوره دخان، خدا با این نازل کردن، وی را انذار دهد]

[ب] اگر گفتند: از آسمان به زمین، و اهل زمین‌اند که نیازمندترین خلائق به آن‌اند،

بگو: پس آنها نیازمند سروری هستند که حکمیت نزد او ببرند.

اگر گفتند: همان خلیفه، حَکَم آنهاست.

بگو: «خداوند ولیّ و سرپرست كسانى است كه ايمان آورده‏اند، آنان را از تاريكيها به سوى روشنايى به در مى‏برد. و كسانى كه كفر ورزيده‏اند، ولیّ و سرپرست‌هایشان همان طاغوت‌ است، كه آنان را از روشنايى به سوى تاريكيها به در مى‏برند. آنان اهل آتشند كه خود، در آن جاودانند.» (بقره/257) به جانم سوگند در زمین و آسمان «خداوند متعال ولی‌ّای ندارد مگر اینکه «مُؤَيَّد» [= تایید شده] باشد؛ و کسی که مورد تایید باشد، خطا نمی‌کند؛ و خداوند متعال در زمین دشمنی ندارد، مگر اینکه خوار و پست شده است، و کسی که خوار و پست شود، به نظر صواب و درست نمی‌رسد. همان گونه که لازم است «أمر» از آسمان نازل شود تا اهل زمین بر اساس آن حکم کنند، همان گونه به «والی» نیاز است.

اگر گفتند: ما چنین کسی را نمی‌شناسیم!

بگو: «بگویید دوست نداریم [که بشناسیم] ! خداوند عز و جل ابا داشت که بعد از حضرت محمد ص بندگان را به حال خود رها کند و حجتی برایشان قرار ندهد.»

امام صادق ع ادامه این گفتگو را این گونه بیان می‌کنند:

سپس امام باقر ع درنگی کرد. او گفت: مطلب پیچیده شد. اگر آنها گفتند «حجت خدا، قرآن است» چطور؟

فرمود: آنگاه به آنها می‌گویم بدرستی که قرآن خودش سخن نمی‌گوید و امر و نهی نمی‌کند، بلکه قرآن اهلی دارد که آنها [با قرآن] امر و نهی می‌کنند.

و نیز می‌گویم برای برخی از زمینیان گاه مشکلی پیش می‌آید که در سنت نبوی و حکمی که اختلافی در آن نباشد، پاسخی برای آن یافت نمی‌شود و در [ظاهر] قرآن هم پاسخی ندارد، آیا خداوند هم در قبال چنان فتنه‌ای نمی‌گذارد علمش در زمین آشکار شود، و در حکم خدا هیچ راه‌حلی برای دفع آن و نجات مردمی که گرفتار آن شده‌اند وجود ندارد؟!

او گفت: یابن رسول الله! اینجاست که شما پیروز می‌شوید. شهادت می‌دهم که خداوند متعال هر مشکلی را که در زمین یا بر جان انسان‌ها، از دین یا غیر آن رخ دهد، می‌داند و قرآن را دلیلی برای آن قرار داده است (حدید/22) و شما می‌دانید که چگونه قرآن بر آن دلالت می‌کند.

فرمود: بله، در قرآن همه حدود و تفسیر آنها هنگام حکم کردن آمده است؛

سپس فرمود: خداوند این گونه نیست که بنده‌ای را به مشکلی در دین یا در جان و مالش مبتلا کند که در زمین خدا، کسی که بتواند به نحو درست در مورد آن مشکل حکم کند وجود نداشته باشد.

او گفت: پس در این زمینه حجت آنها را کاملا زمین زدید مگر اینکه مخالف شما بخواهد بر خدا دروغ ببندد و بگوید خداوند در چنین مواردی انسانها را بدون هر حجتی رها می کند...

اصول كافي، ج‏1، ص243-247

متن حدیث استدلال امام باقر ع به سوره قدر در اثبات امامت اهل بیت:

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ‏ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع‏ بَيْنَا أَبِي ع يَطُوفُ بِالْكَعْبَةِ إِذَا رَجُلٌ مُعْتَجِرٌ قَدْ قُيِّضَ لَهُ‏ فَقَطَعَ عَلَيْهِ أُسْبُوعَهُ ...‏ [[30]](#footnote-30)

قَالَ إِنَّ شِيعَتَنَا إِنْ قَالُوا لِأَهْلِ الْخِلَافِ لَنَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لِرَسُولِهِ ص- إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ إِلَى آخِرِهَا فَهَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَعْلَمُ مِنَ الْعِلْمِ شَيْئاً لَا يَعْلَمُهُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَوْ يَأْتِيهِ بِهِ جَبْرَئِيلُ ع فِي غَيْرِهَا؟

فَإِنَّهُمْ سَيَقُولُونَ لَا

فَقُلْ لَهُمْ فَهَلْ كَانَ لِمَا عَلِمَ بُدٌّ مِنْ أَنْ يُظْهِرَ؟

فَيَقُولُونَ لَا

فَقُلْ لَهُمْ فَهَلْ كَانَ فِيمَا أَظْهَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ اخْتِلَافٌ؟

فَإِنْ قَالُوا لَا

فَقُلْ لَهُمْ فَمَنْ حَكَمَ بِحُكْمِ اللَّهِ فِيهِ اخْتِلَافٌ فَهَلْ خَالَفَ رَسُولَ اللَّهِ ص

فَيَقُولُونَ نَعَمْ فَإِنْ قَالُوا لَا فَقَدْ نَقَضُوا أَوَّلَ كَلَامِهِمْ

فَقُلْ لَهُمْ‏ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ‏ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ‏

فَإِنْ قَالُوا مَنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؟

فَقُلْ مَنْ لَا يَخْتَلِفُ فِي عِلْمِهِ

فَإِنْ قَالُوا فَمَنْ هُوَ ذَاكَ

فَقُلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص صَاحِبَ ذَلِكَ فَهَلْ بَلَّغَ أَوْ لَا؟

فَإِنْ قَالُوا قَدْ بَلَّغَ

فَقُلْ فَهَلْ مَاتَ ص وَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ يَعْلَمُ عِلْماً لَيْسَ فِيهِ اخْتِلَافٌ؟

فَإِنْ قَالُوا لَا

فَقُلْ إِنَّ خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص مُؤَيَّدٌ وَ لَا يَسْتَخْلِفُ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَّا مَنْ يَحْكُمُ بِحُكْمِهِ وَ إِلَّا مَنْ يَكُونُ مِثْلَهُ إِلَّا النُّبُوَّةَ- وَ إِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمْ يَسْتَخْلِفْ فِي عِلْمِهِ أَحَداً فَقَدْ ضَيَّعَ مَنْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ مِمَّنْ يَكُونُ بَعْدَهُ

فَإِنْ قَالُوا لَكَ فَإِنَّ عِلْمَ رَسُولِ اللَّهِ ص كَانَ مِنَ الْقُرْآنِ‏

فَقُلْ- حم. وَ الْكِتابِ الْمُبِينِ. إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةٍ مُبارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ فِيها إِلَى قَوْلِهِ- إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ‏

فَإِنْ قَالُوا لَكَ لَا يُرْسِلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا إِلَى نَبِيٍّ

فَقُلْ هَذَا الْأَمْرُ الْحَكِيمُ الَّذِي يُفْرَقُ فِيهِ هُوَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ الَّتِي تَنْزِلُ مِنْ سَمَاءٍ إِلَى سَمَاءٍ أَوْ مِنْ سَمَاءٍ إِلَى أَرْضٍ؟

فَإِنْ قَالُوا مِنْ سَمَاءٍ إِلَى سَمَاءٍ،

فَلَيْسَ فِي َ فِي السَّمَاءِ أَحَدٌ يَرْجِعُ مِنْ طَاعَةٍ إِلَى مَعْصِيَةٍ

فَإِنْ قَالُوا مِنْ سَمَاءٍ إِلَى أَرْضٍ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ أَحْوَجُ الْخَلْقِ إِلَى ذَلِكَ

فَقُلْ فَهَلْ لَهُمْ بُدٌّ مِنْ سَيِّدٍ يَتَحَاكَمُونَ إِلَيْهِ

فَإِنْ قَالُوا فَإِنَّ الْخَلِيفَةَ هُوَ حَكَمُهُمْ

فَقُلْ‏ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ إِلَى قَوْلِهِ‏ خالِدُونَ‏ لَعَمْرِي مَا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَلِيٌّ لِلَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ إِلَّا وَ هُوَ مُؤَيَّدٌ وَ مَنْ أُيِّدَ لَمْ يُخْطِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ عَدُوٌّ لِلَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ إِلَّا وَ هُوَ مَخْذُولٌ وَ مَنْ خُذِلَ لَمْ يُصِبْ كَمَا أَنَّ الْأَمْرَ لَا بُدَّ مِنْ تَنْزِيلِهِ مِنَ السَّمَاءِ يَحْكُمُ بِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ كَذَلِكَ لَا بُدَّ مِنْ وَالٍ

فَإِنْ قَالُوا لَا نَعْرِفُ هَذَا

فَقُلْ لَهُمْ قُولُوا مَا أَحْبَبْتُمْ أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ص أَنْ يَتْرُكَ الْعِبَادَ وَ لَا حُجَّةَ عَلَيْهِمْ

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع

ثُمَّ وَقَفَ فَقَالَ هَاهُنَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بَابٌ غَامِضٌ أَ رَأَيْتَ إِنْ قَالُوا حُجَّةُ اللَّهِ الْقُرْآنُ

قَالَ إِذَنْ أَقُولَ لَهُمْ إِنَّ الْقُرْآنَ لَيْسَ بِنَاطِقٍ يَأْمُرُ وَ يَنْهَى وَ لَكِنْ لِلْقُرْآنِ أَهْلٌ يَأْمُرُونَ وَ يَنْهَوْنَ

وَ أَقُولَ قَدْ عَرَضَتْ لِبَعْضِ أَهْلِ الْأَرْضِ مُصِيبَةٌ مَا هِيَ فِي السُّنَّةِ وَ الْحُكْمِ الَّذِي لَيْسَ فِيهِ اخْتِلَافٌ- وَ لَيْسَتْ فِي الْقُرْآنِ أَبَى اللَّهُ لِعِلْمِهِ بِتِلْكَ الْفِتْنَةِ أَنْ تَظْهَرَ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ فِي حُكْمِهِ رَادٌّ لَهَا وَ مُفَرِّجٌ عَنْ أَهْلِهَا

فَقَالَ هَاهُنَا تَفْلُجُونَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ قَدْ عَلِمَ بِمَا يُصِيبُ الْخَلْقَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ‏ أَوْ فِي أَنْفُسِهِمْ مِنَ الدِّينِ أَوْ غَيْرِهِ فَوَضَعَ الْقُرْآنَ دَلِيلًا-

قَالَ فَقَالَ الرَّجُلُ هَلْ تَدْرِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ دَلِيلَ مَا هُوَ

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع نَعَمْ فِيهِ جُمَلُ الْحُدُودِ وَ تَفْسِيرُهَا عِنْدَ الْحُكْمِ فَقَالَ أَبَى اللَّهُ أَنْ يُصِيبَ عَبْداً بِمُصِيبَةٍ فِي دِينِهِ أَوْ فِي نَفْسِهِ أَوْ فِي مَالِهِ لَيْسَ فِي أَرْضِهِ مِنْ حُكْمِهِ قَاضٍ بِالصَّوَابِ فِي تِلْكَ الْمُصِيبَةِ

قَالَ فَقَالَ الرَّجُلُ أَمَّا فِي هَذَا الْبَابِ فَقَدْ فَلَجْتَهُمْ بِحُجَّةٍ إِلَّا أَنْ يَفْتَرِيَ خَصْمُكُمْ عَلَى اللَّهِ ...[[31]](#footnote-31)

الكافي، ج‏1، ص243-247

2) «تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها...»: چنانکه در قسمت نکات ترجمه اشاره شد واژه «تنزل» تفاوت مهمی با کلمه‌های «نزل» و «انزل» و «نزّل» دارد و آن اینکه آن کلمات را در مورد پایین آمدن هرموجودی (با شعور و بی‌شعور) می‌توان به کار برد (مثلا: نزول باران) اما «تنزل» دلالت بر نزولی دارد که به نحوی با اراده و اختیار باشد (ظاهرا به همین جهت است که قرآن کریم تعبیر تنزل را در مورد غیرجاندارانی مانند باران و غذا و ... به کار نبرده است) بدین ترتیب معلوم می‌شود که اگرچه شاید در کلمه «نزول» (مثلا نزول باران) مخاطب خاصی مهم نباشد، اما در کلمه «تنزل» حتما مخاطب خاصی مد نظر است؛ و این مطلب در این آیه بسیار واضح‌تر است: اینکه ملائکه و روح در شب خاصی تنزل کنند، حتما حکایتگر از این است که کسی بوده که اینها نزد او تنزل کرده‌اند و همین شاهد مهمی است بر وجود انسانی که شب قدر با وجود او معنی پیدا می‌کند (حدیث 2 و 3؛ و نیز [جلسه98، حدیث 1 و 3](#_حدیث))

لذا این آیه، شاهد مهمی است بر استمرار هرساله مقام خلیفه‌اللهی انسان، که مسجود همه ملائکه شد (بقره/31)

3) «تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها...»: باور به «نزول هرساله فرشتگان در یک شب»، چه اهمیت و ثمره‌ای در دینداری ما دارد؟

- برای حفظ و بقای یک دین، مهمترین مساله این است که بعد از رحلت پیام‌رسان اصلی، معارف دین از چه منبعی دریافت شود که مطمئن باشیم اشتباهی رخ نمی‌دهد. (مساله «اختلاف قرائتها» هم که امروزه مطرح است، همین است که از کجا بدانیم که کدام فهم از دین، صددرصد معتبر است)

- اگر قرآن به عنوان کتاب پیامبر ص و تنها سند قطعی بین همه مسلمانان بخواهد مرجع حل اختلاف بماند، حتما باید خداوند شاهد یا شواهدی قرار دهد که به نحو قطعی نشان دهد کدام قرائت از قرآن صددرصد معتبر است؛ وگرنه کتابی که مفاهیمش مورد اختلاف است، نمی‌تواند برطرف کننده اختلاف باشد.

- نزول هرساله فرشتگان، آن هم به اذن مستقیم خدا (بِإِذْنِ رَبِّهِمْ)، و آن درباره همه امور (مِنْ كُلِّ أَمْرٍ)، در یک شب معین، که دلالت دارد بر وجود شخصی که مخاطب آنهاست (تدبر1)، تضمینی است برای ما در خصوص وجود کسانی که قرائت صددرصد معتبر از دین دارند (که: با مراجعه به آنها در فهم دین دچار خطا نمی‌شویم).

بدین ترتیب، اذعان به شب قدر و باور به نزول هرساله فرشتگان، با تثبیت مساله امامت (تدبر1)، حجت را بر انسان تمام کرده، انسان را از صحت مذهب خویش (صحت این قرائت از اسلام) مطمئن می‌سازد و می‌تواند اثرات هزار ماه انحراف ایجاد شده توسط بنی‌امیه و دیگران را جبران کند. (حدیث2، دیروز)

**دو مورد زیر را در کانال نگذاشتم**

4) این «روح» چیست؟ و چرا «الروح» را مستقل از «ملائکه» آورد؟

این مطلب از بحث‌های دشواری است که خود خداوند تصریح کرده که اطلاعاتی که شما در این باره دارید بسیار کم است (وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَ ما أُوتيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلاَّ قَليلا؛ إسراء/85)

این مقدار واضح است که این «الروح» از آنجا که همراه ملائکه در شب قدر نازل می‌شود، علی‌القاعده غیر از روحی است که هرکس دارد و اشاره جداگانه به آن نشان می دهد که او موجودی مستقل از ملائکه است (حدیث1) که علی‌القاعده نسبت خاصی با انسان دارد.

ضمنا همین که قرآن بدان اشاره کرده، نشان می دهد که برخلاف تصور برخی، مطلبی نیست که انسان اصلا نتواند بدان پی ببرد؛ اما همین نحوه بیان قرآن (أسراء/85) نشان می‌دهد که مساله‌اش بسیار بغرنج‌تر از آن است که کسی انتظار داشته باشد با چند جمله و چند تلقی سطحی مساله تمام شود. مواظب باشیم وقتی مطلبی خیلی عمیق است، زمینه سوءاستفاده‌های از آن هم زیاد می‌شود؛ لذا در کسب اطلاعات در این زمینه بسیار باید با احتیاط حرکت کرد.

5) «تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ ... بِإِذْنِ رَبِّهِمْ»: چرا تعبیر «بِإِذْنِ رَبِّهِمْ» را آورد (خصوصا که می‌دانیم فرشتگان بی‌اذن خدا هیچ کاری نمی‌کنند)؟

الف. شاید برای تاکید بر این است که این یک برنامه‌ای است که خدا به نحو خاص مقرر داشته است.

ب. ...

## 101) سوره قدر (97) آیه 5 سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ‏ ‏8/4/1395 22 رمضان 1437

### ترجمه

سلام است آن [شب] تا هنگام طلوع فجر.

### نکات ترجمه‌ای و نحوی

«سَلامٌ» از ماده «سلم» به معنای سلامتی و صحت از هرگونه عیب و نقصی است (معجم المقاييس اللغة‏3/ 91) و تعبیر «سلام» به معنای طلب سلامتی کردن است که در انسان‌ها با سخن، و در خداوند [مانند تعابیر قرآنی که خداوند می‌فرماید: سلامٌ علی...] با فعلش انجام می‌شود (مفردات ألفاظ القرآن/421)

جایگاه «سلامٌ» به لحاظ نحوی:

الف. غالبا آن را خبر مقدم در نظر گرفته‌اند که مبتدایش کلمه «هی» بوده است؛ یعنی اصلش به این صورت بوده، «هی سلام حتی ...».[[32]](#footnote-32)

ب. چنانکه در بحث آیه قبل اشاره شد، برخی آن را مبتدای موخر (در قبال عبارت «من کل امر») در نظر گرفته‌اند که در این صورت، تا این کلمه سلام، با دو جمله مواجهیم: ملائکه و روح در شب قدر نازل می‌شوند، و از جانب هر امری، سلام [بر تو باد].

ج. ظاهرا می‌توان کل این آیه را در مقام مبتدای موخر قرار داد در قبال عبارت «من کل امر»، که معنی‌اش چنین می‌شود: از جانب هر امری، این شب تا طلوع فجر سلام است.[[33]](#footnote-33)

### حدیث

1) وَ عَنْ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ قَالَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَطْوِي فِرَاشَهُ وَ يَشُدُّ مِئْزَرَهُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ كَانَ يُوقِظُ أَهْلَهُ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ وَ كَانَ يَرُشُّ وُجُوهَ النِّيَامِ بِالْمَاءِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع لَا تَدَعُ أَحَداً مِنْ أَهْلِهَا يَنَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَ تُدَاوِيهِمْ بِقِلَّةِ الطَّعَامِ وَ تَتَأَهَّبُ لَهَا مِنَ النَّهَارِ وَ تَقُولُ مَحْرُومٌ مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا.

دعائم الإسلام، ج‏1، ص: 283

از امام علی ع روایت شده است که رسول خدا ص در دهه آخر ماه رمضان رختخوابش را جمع می‌کرد و دامن همت به کمر می‌زد و روالش این بود که در شب بیست و سوم که خانواده‌اش را بیدار نگه می‌داشت و در آن شب به صورت کسانی که خوابشان می‌آمد آب می‌زد، و حضرت فاطمه س هم در آن شب نمی‌گذاشت کسی از خانواده‌اش بخوابد و با کم کردن غذای [افطار و شام] سعی می‌کرد مانع خواب آنها شود، و از روز برای این شب آماده می‌شد و می‌فرمود: محروم کسی است که از خیر این شب محروم بماند.[[34]](#footnote-34)

2) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ‏ «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ»

قَالَ: نَزَلَ فِيهَا مَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ مِنْ مَوْتٍ أَوْ مَوْلُودٍ.

قُلْتُ لَهُ: إِلَى مَنْ؟

فَقَالَ: إِلَى مَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ؟ إِنَّ النَّاسَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ فِي صَلَاةٍ وَ دُعَاءٍ وَ مَسْأَلَةٍ وَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ فِي شُغُلٍ‏ تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ إِلَيْهِ بِأُمُورِ السَّنَةِ مِنْ غُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى طُلُوعِهَا مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ هِيَ‏ لَهُ إِلَى أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص: 220

داود بن فرقد از امام ع درباره «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ» سوال می کند.

امام می‌فرماید: در این شب آنچه از این سال تا سال بعد، از مرگ و تولد [و ...] بعد رخ خواهد داد نازل می‌شود.

گفتم: به چه کسی؟

فرمود: به چه کسی احتمال دارد؟ مردم در آن شب به نماز و دعا و درخواست مشغول‌ند و صاحب این امر هم به کارهایی، ملائکه با امور سال از غروب خورشید تا طلوع آن به جانب او نازل می‌شوند از همه امور [که] آن برای او سلام است تا اینکه صبح طلوع کند.[[35]](#footnote-35)

3) وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ

... ثُمَّ فَضَّلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً مِنْ لَيَالِيهِ عَلَى لَيَالِي أَلْفِ شَهْرٍ، وَ سَمَّاهَا لَيْلَةَ الْقَدْرِ «تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ‏» دَائِمُ الْبَرَكَةِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ بِمَا أَحْكَمَ مِنْ قَضَائِهِ...

صحيفة سجادية، دعای 44

امام زین‌العابدین در فرازی از دعای هنگام ورود در ماه رمضان فرمودند:

سپس خداوند یک شب از شبهای آن را بر شبهای هزار ماه برتری دارد و آن را شب قدر نامید، که «نازل می‌شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان از هر امری سلام»ی دائم البرکت است تا طلوع فجر بر هر کس از بندگانش که بخواهد به آنچه که قضای او حکم کرده است.

4) مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْحَرِيشِ‏ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع‏ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ‏:

... قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ.

قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ هَلْ تَدْرِي لِمَ هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؟

قَالَ لَا

قَالَ لِأَنَّهَا تَنَزَّلُ‏ فِيهَا الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ‏ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ‏ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ وَ إِذَا أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِشَيْ‏ءٍ فَقَدْ رَضِيَهُ‏

سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ يَقُولُ تُسَلِّمُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ مَلَائِكَتِي وَ رُوحِي بِسَلَامِي مِنْ أَوَّلِ مَا يَهْبِطُونَ إِلَى مَطْلَعِ الْفَجْرِ…

الكافي، ج‏1، ص248

از امام زین‌العابدین ع روایت شده که:

... خداوند عزّوجلّ فرمود كه: «شب قدر بهتر است از هزار ماهى» كه شب قدر در آن نباشد؛

و به رسول خود فرمود كه: آيا مى‏دانى كه چرا اين شب از هزار ماه بهتر است؟

عرض كرد: نه،

فرمود: زیرا اين شب چنان است كه در آن فرشتگان و روح به اذن پروردگار خويش، از هر امرى فرود مى‏آيند؛ و هرگاه خداوند عزوجل به چيزى اذن دهد، بدان رضایت داده است؛

«سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» مى‏فرمايد كه: فرشتگان من و روح من به سلام من بر تو سلام مى‏كنند ای محمد، از اوّلی که فرود می‌آیند تا طلوع فجر.

### تدبر

1) «سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»

اگر قرار است این شب را خدا به پیامبرش داده باشد که اثرات انحراف هزار ماه حکومت بنی‌امیه را خنثی کند[، (جلسه99، حدیث2](#_حدیث_1))،

اگر قرار است این شب باطن حضرت زهرا باشد ([جلسه 98، حدیث3](#_حدیث))،

اگر قرار است همه ملائکه و روح در این شب در نزد ولی‌الله الاعظم در زمین گردآیند، ([جلسه 100، احادیث2 و 3](#_حدیث_2))،

و اگر قرار است در این شب، در کنف حمایت ویژه امام زمان‌مان باشیم و به او متصل شویم و مقدرات‌مان در محضر او امضاء شود (چنانکه خواندن دعای «اللهم کن لولیک» را در شب بیست و سوم بسیار توصیه کرده‌اند: کافی4/ 162)،

واضح است که باید سرتاسرش سلام و سلامتی و ایمنی باشد.

2) «سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»

در برخی احادیث تعبیر شده که «حتی مَطْلَعِ الْفَجْرِ» اشاره به «مَطْلَعِ فَجْرِ الْقَائِمِ ع» یا «حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ ع» است [(حدیث1 جلسه97](#_حدیث_3) و [حدیث3 جلسه 98](#_حدیث)). چرا؟

الف. قبلا اشاره شد که قیامت همواره با روز تعبیر شده، اما حقایق عمیق دنیا همواره با تعبیر شب مورد توجه قرار گرفته است ([جلسه98، تدبر1](#_تدبر_1)). شاید - برخلاف کسانی که می‌گویند اگر عبارت «سلام» را ادامه آیه قبل بدانیم، عبارت «هی حتی مطلع الفجر» لغو می‌شود (مجمع البيان‏10/ 786) - می‌خواهد بفرماید که واقعا کلمه «سلام» را می‌توان با آیه قبل معنی کرد[[36]](#footnote-36)، و این که «شب، تا طلوع فجر خواهد بود» نیز سخن لغوی نیست؛ چون خبر می‌دهد که شب بودن دنیا [که همه حقایق و خوبی‌ها مخفی است و فساد و بدی و ظلمت است که میدان‌دار است] تا طلوع فجر قائم ادامه دارد.

ب. شاید اشاره به این باشد که اگر کسی حقیقت شب قدر را درک کرد، دین و حقیقت فطرتش تا ظهور قائم از فتنه‌های آخرالزمان در سلامت خواهد ماند. اگر مقدرات سال ما در این شب رقم می‌خورد، چرا چنین چیزی ممکن نباشد؟

ج. شاید دارد انگیزه ما را بالا می‌برد تا در این شب، محضر امام ع را درک کنیم: آیا ممکن است کسی به حقیقت شب قدر برسد، اما محضر امام ع را درک نکند؟ و اگر کسی محضر امام ع را درک کرد، به مطلع فجر قائم نرسیده است؟ آیا کسانی که یک سال خود را آماده می‌کردند تا شب قدر را درک کنند، چنین تصوری داشته‌اند؟

د. ...

3) «سَلامٌ هِيَ ...»:

درباره چرایی سلام بودن این شب تا صبح، مفسران این نظرات را گفته‌اند:

- مردم از شرور و بلایا و آفات شیطان این شب تا صبح در امان‌اند.

- این شب تا صبح سالم است از اینکه شیطان بتواند در آن حادثه سوئی ایجاد کند.

- ملائکه که این شب تا صبح نزول می‌کنند به اولیاء الله و کسانی که اهل طاعت خداوند هستند سلام می دهند.

- چون خدا در امشب همه خیرات و برکات را مقدر می‌کند، پس «هر امری [که مقدر می‌شود] در امشب تا صبح سلام است»

- سلامتی و برکت امشب در کل شب است و فقط در یک لحظه خاصی از آن نیست. (همه موارد به نقل از: مجمع البيان‏10/ 791)

- شب قدر شب نزول سلامتی و رحمت از جانب خداست (قرائتی، تفسیر نور10/552)

- تقدیر امور در این شب بر اساس سلامتی و سعادت بشر است، مگر اینکه خود فرد جز این بخواهد (تفسیر نور10/552)

4) «سَلامٌ هِيَ ...»:

‌می‌دانیم که «سلام» یکی از اسماء الله است (حشر/23) و نیز کلمه‌ای است که در توصیف خود بهشت (انعام/127 ؛ یونس/25) و راه رسیدن به خدا و بهشت (مائده/16) به کار رفته است. با توجه به قرابت شب قدر با روز قیامت ([جلسه98، تدبر1](#_تدبر_1)) شاید آیه می‌خواهد اشاره کند که حقیقت «سلام» در شب قدر در دینا برای کسانی که این شب را درک کنند، حاصل می‌شود.

سعی کنیم در این شب مبارک، اگر به محضر امام زمان عج راه نبردیم، دست‌کم سلامی خالصانه خدمت آن حضرت عرضه کنیم:

سَلَامٌ عَلَى آلِ يس

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دَيَّانَ دِينِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ خَلْقِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعْداً غَيْرَ مَكْذُوب‏ ... (مفاتیح‌الجنان، زیارت آل‌یس)

اگر روزی حداقل در یک آیه قرآن بیندیشیم بعد از 17 سال در طول عمرمان در تمام آیات تدبر کرده ایم.

لینک کانال **«حداقل یک آیه در روز»**

<https://telegram.me/YekAaye>

لینک وبلاگ **«حداقل یک آیه در روز»**

<http://yekayehqurandarrooz.parsiblog.com/>

آدرس کانال **«حداقل یک آیه در روز»** در تلگرام

@YekAaye

ارتباط با حسین سوزنچی (نویسنده کانال) در تلگرام

@hsouzanchi

1. . سوره مبارکه قدر یا انا انزالنا تعداد آیات آن ۵ آیه است. دارای ۳۰ کلمه و ۱۱۴ حرف است. به ترتیب مصحف نود و هفتمین و به ترتیب نزول بیست و پنجمین سوره قرآن و مکی است. از نظر حجم از «‌مفصلات‌» و از گروه اوساط و از سوره‌های کوچک قرآن است که در ردیف سوره‌های جزء عم و در پایان حزب سوم جزء سی ام قرار دارد. [↑](#footnote-ref-1)
2. . فإنَّما ذَكَرَ في الأوّلِ «نُزِّلَ»، و في الثاني «أُنْزِلَ» تنبيهاً أنّ المنافقين يَقْتَرِحُونَ أن يَنْزِلَ شَيْ‏ءٌ فَشَيْ‏ءٌ من الحثِّ على القِتَال لِيَتَوَلَّوْهُ، و إذا أُمِرُوا بذلك مَرَّةً واحدةً تَحَاشَوْا منه فلم يفعلوه، فهم يَقْتَرِحُونَ الكثيرَ و لا يَفُونَ منه بالقليل [↑](#footnote-ref-2)
3. . و نیز:

   عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَبِيعٍ الْمُسْلِيِّ وَ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَّالِ ذَكَرَاهُ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ التَّقْدِيرُ وَ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ الْقَضَاءُ وَ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ إِبْرَامُ مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ فِي خَلْقِهِ‏ .

   الكافي، ج‏4، ص: 160 [↑](#footnote-ref-3)
4. . توجه شود اینکه آیا کتاب مبین، خود قرآن است یا حقیقتی ماورایی است که باطن قرآن است و قرآن از آن سرچشمه گرفته است، نیز جای بحث وجود دارد. این تعبیر در پنج مورد آمده است (يوسف/1 ؛ شعراء/2 ؛ قصص/2 ؛ زخرف/2 ؛ دخان/2) که در اولی در آیه بعدی‌اش دارد «انا انزلناه قرآنا عربیا» و در چهارمی در آیه بعدی‌اش دارد: «انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون و انه فی ام‌الکتاب لدینا لعلی حکیم» و در پنجمی هم در آیه بعدی‌اش دارد «انا انزلناه فی لیله مبارکه». اگر این دومی (یعنی فقط اشاره به سرچشمه) باشد آنگاه این ضمیر «ه» در این آیه سوره قدر می‌تواند هم بر قرآن تطبیق شود و هم بر حقایق سال که هرساله یکجا بر قلب پیامبر و امام نازل می‌شود [↑](#footnote-ref-4)
5. . همچنین در کتاب بصائرالدرجات1/ 220-225، فقط در یک باب، 17 حدیث درباره شب قدر آورده که در 13 مورد آن به این مساله تصریح شده است [↑](#footnote-ref-5)
6. . چنانکه ظاهر برخی روایات این است که هر سال شب قدر قرآن بر پیامبر نازل می‌شود [↑](#footnote-ref-6)
7. عجیب این است که این کتاب، صرفا ترجمه نیست، بلکه کتاب تفسیری است و جای آن بوده که وقتی وی برخلاف همگان چنین ترجمه ای می کند توضیحی هم بایش بیاورد. اما نه در ذیل این آیه و نه در ذیل آیات قبل که این عبارت را داشته است، توضیحی نیامده است و در برخی آیات قبل به صورت «چه خوب می‌دانی که ...» ترجمه کرده (مثلا 7/122) که نشاندهنده این است که ظاهرا دقت جدی‌ای در کار نبوده است. [↑](#footnote-ref-7)
8. . حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ يُونُسَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي الْمُهَاجِرِ عَنْ أَبِي الْهُذَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ: يَا أَبَا الْهُذَيْلِ إِنَّا لَا يَخْفَى عَلَيْنَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَطُوفُونَ‏ بِنَا فِيهَا. [↑](#footnote-ref-8)
9. . این روایت ذیل هم به لحاظ مضمونی به روایت فوق نزدیک است و مهم این است که حضرت در این روایت نه مقدرات سال بلکه مقدرات تا روز قیامت به شب قدر وابسته می‌کند. شاید وجهش این است که هرسال که مقدرات تغییر کند به تبع خود مقدرات عالم تا قیامت را تغییر می دهد:

   حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ بَسَّامٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي السَّرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يُونُسَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ الْكِنَانِيِّ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ص يَا عَلِيُّ أَ تَدْرِي مَا مَعْنَى لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقُلْتُ لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ ص إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدَّرَ فِيهَا مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَكَانَ فِيمَا قَدَّرَ عَزَّ وَ جَلَّ وَلَايَتُكَ وَ وَلَايَةُ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

   معاني الأخبار، ص315 [↑](#footnote-ref-9)
10. . أَوْ مِنْ مَعْرِفَتِهَا [الشَّكُّ مِنْ أَبِي الْقَاسِمِ‏] [↑](#footnote-ref-10)
11. . احادیث زیر هم احادیثی است که به فهم حقیقت شب قدر کمک می‌کند:

    1) حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ حَرِيشٍ‏ أَنَّهُ عَرَضَهُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فَأَقَرَّ بِهِ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّ الْقَلْبَ الَّذِي يُعَايِنُ مَا يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ لَعَظِيمُ الشَّأْنِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَاكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَالَ لَيُشَقُّ وَ اللَّهِ بَطْنُ ذَلِكَ الرَّجُلِ ثُمَّ يُؤْخَذُ إِلَى قَلْبِهِ‏ وَ يُكْتَبُ عَلَيْهِ بِمِدَادِ النُّورِ فَذَلِكَ جَمِيعُ الْعِلْمِ ثُمَ‏ يَكُونُ الْقَلْبُ مُصْحَفاً لِلْبَصَرِ وَ يَكُونُ اللِّسَانُ مُتَرْجِماً لِلْأُذُنِ إِذَا أَرَادَ ذَلِكَ الرَّجُلُ عِلْمَ شَيْ‏ءٍ نَظَرَ بِبَصَرِهِ وَ قَلْبِهِ فَكَأَنَّهُ يَنْظُرُ فِي كِتَابٍ قُلْتُ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ وَ كَيْفَ الْعِلْمُ فِي غَيْرِهَا أَ يُشَقُّ الْقَلْبُ فِيهِ أَمْ لَا قَالَ لَا يُشَقُّ لَكِنَّ اللَّهَ يُلْهِمُ ذَلِكَ الرَّجُلَ بِالْقَذْفِ فِي الْقَلْبِ حَتَّى يُخَيَّلَ إِلَى الْأُذُنِ أَنَّهُ تَكَلَّمَ بِمَا شَاءَ اللَّهُ [مِنْ‏] عِلْمِهِ‏ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِيمٌ‏.

    بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص224-223

    2)وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ- لَيْلَةَ الْقَدْرِ أَوَّلَ مَا خَلَقَ الدُّنْيَا وَ لَقَدْ خَلَقَ فِيهَا أَوَّلَ نَبِيٍّ يَكُونُ وَ أَوَّلَ وَصِيٍّ يَكُونُ وَ لَقَدْ قَضَى أَنْ يَكُونَ فِي كُلِّ سَنَةٍ لَيْلَةٌ يَهْبِطُ فِيهَا بِتَفْسِيرِ الْأُمُورِ إِلَى مِثْلِهَا مِنَ السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ مَنْ جَحَدَ ذَلِكَ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِلْمَهُ لِأَنَّهُ لَا يَقُومُ الْأَنْبِيَاءُ وَ الرُّسُلُ وَ الْمُحَدَّثُونَ إِلَّا أَنْ تَكُونَ عَلَيْهِمْ حُجَّةٌ بِمَا يَأْتِيهِمْ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ مَعَ الْحُجَّةِ الَّتِي يَأْتِيهِمْ بِهَا جَبْرَئِيلُ ع قُلْتُ وَ الْمُحَدَّثُونَ أَيْضاً يَأْتِيهِمْ جَبْرَئِيلُ أَوْ غَيْرُهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ع قَالَ أَمَّا الْأَنْبِيَاءُ وَ الرُّسُلُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَلَا شَكَّ وَ لَا بُدَّ لِمَنْ سِوَاهُمْ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ خُلِقَتْ فِيهِ الْأَرْضُ إِلَى آخِرِ فَنَاءِ الدُّنْيَا أَنْ تَكُونَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ حُجَّةٌ يَنْزِلُ ذَلِكَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ إِلَى مَنْ أَحَبَّ مِنْ عِبَادِهِ وَ ايْمُ اللَّهِ لَقَدْ نَزَلَ الرُّوحُ وَ الْمَلَائِكَةُ بِالْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ عَلَى آدَمَ وَ ايْمُ اللَّهِ مَا مَاتَ آدَمُ إِلَّا وَ لَهُ وَصِيٌّ وَ كُلُّ مَنْ بَعْدَ آدَمَ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ قَدْ أَتَاهُ الْأَمْرُ فِيهَا وَ وَضَعَ لِوَصِيِّهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ ايْمُ اللَّهِ إِنْ كَانَ النَّبِيُّ لَيُؤْمَرُ فِيمَا يَأْتِيهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ مِنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ ص أَنْ أَوْصِ إِلَى فُلَانٍ- وَ لَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ لِوُلَاةِ الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِ مُحَمَّدٍ ص خَاصَّةً- وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ‏ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ‏ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ‏ إِلَى قَوْلِهِ‏ فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ‏ يَقُولُ أَسْتَخْلِفُكُمْ لِعِلْمِي وَ دِينِي وَ عِبَادَتِي بَعْدَ نَبِيِّكُمْ كَمَا اسْتَخْلَفَ وُصَاةَ آدَمَ مِنْ بَعْدِهِ حَتَّى يَبْعَثَ النَّبِيَّ الَّذِي يَلِيهِ- يَعْبُدُونَنِي لا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً يَقُولُ يَعْبُدُونَنِي بِإِيمَانٍ لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ص فَمَنْ قَالَ غَيْرَ ذَلِكَ- فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ‏ فَقَدْ مَكَّنَ وُلَاةَ الْأَمْرِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ بِالْعِلْمِ وَ نَحْنُ هُمْ فَاسْأَلُونَا فَإِنْ صَدَقْنَاكُمْ فَأَقِرُّوا وَ مَا أَنْتُمْ بِفَاعِلِينَ- أَمَّا عِلْمُنَا فَظَاهِرٌ وَ أَمَّا إِبَّانُ أَجَلِنَا الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ الدِّينُ مِنَّا حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَ النَّاسِ اخْتِلَافٌ فَإِنَّ لَهُ أَجَلًا مِنْ مَمَرِّ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ إِذَا أَتَى ظَهَرَ وَ كَانَ الْأَمْرُ وَاحِداً وَ ايْمُ اللَّهِ لَقَدْ قُضِيَ الْأَمْرُ أَنْ لَا يَكُونَ بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ اخْتِلَافٌ وَ لِذَلِكَ جَعَلَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ لِيَشْهَدَ مُحَمَّدٌ ص عَلَيْنَا وَ لِنَشْهَدَ عَلَى شِيعَتِنَا وَ لِتَشْهَدَ شِيعَتُنَا عَلَى النَّاسِ أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَكُونَ فِي حُكْمِهِ اخْتِلَافٌ أَوْ بَيْنَ أَهْلِ عِلْمِهِ تَنَاقُضٌ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع فَضْلُ إِيمَانِ الْمُؤْمِنِ بِجُمْلَةِ- إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ بِتَفْسِيرِهَا عَلَى مَنْ لَيْسَ مِثْلَهُ فِي الْإِيمَانِ بِهَا كَفَضْلِ الْإِنْسَانِ عَلَى الْبَهَائِمِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيَدْفَعُ بِالْمُؤْمِنِينَ بِهَا عَنِ الْجَاحِدِينَ لَهَا فِي الدُّنْيَا لِكَمَالِ عَذَابِ الْآخِرَةِ لِمَنْ عَلِمَ أَنَّهُ لَا يَتُوبُ مِنْهُمْ مَا يَدْفَعُ بِالْمُجَاهِدِينَ عَنِ الْقَاعِدِينَ وَ لَا أَعْلَمُ أَنَّ فِي هَذَا الزَّمَانِ جِهَاداً إِلَّا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ وَ الْجِوَارَ.

    الكافي ج‏1، ص251-250

    3) عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ حَسَّانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ الْتَمِسْهَا فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ أَوْ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ.

    الكافي، ج‏4، ص156

    4) أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ عَلَامَةِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ عَلَامَتُهَا أَنْ تَطِيبَ رِيحُهَا وَ إِنْ كَانَتْ فِي بَرْدٍ دَفِئَتْ‏ وَ إِنْ كَانَتْ فِي حَرٍّ بَرَدَتْ فَطَابَتْ قَالَ وَ سُئِلَ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ تَنْزِلُ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ وَ الْكَتَبَةُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَكْتُبُونَ مَا يَكُونُ فِي أَمْرِ السَّنَةِ وَ مَا يُصِيبُ الْعِبَادَ وَ أَمْرُهُ عِنْدَهُ مَوْقُوفٌ لَهُ وَ فِيهِ الْمَشِيئَةُ فَيُقَدِّمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَ يُؤَخِّرُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَ يَمْحُو وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتابِ

    الكافي، ج‏4، ص156

    5) مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: نَزَلَتِ التَّوْرَاةُ فِي سِتٍّ مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ نَزَلَ الْإِنْجِيلُ فِي اثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ نَزَلَ الزَّبُورُ فِي لَيْلَةِ ثَمَانِيَ عَشَرَةَ مَضَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ نَزَلَ الْقُرْآنُ‏ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ.

    الكافي، ج‏4، ص158

    6) مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ قَالَ: سَمِعْتُ رَجُلًا يَسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع- عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَانَتْ أَوْ تَكُونُ فِي كُلِّ عَامٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَوْ رُفِعَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَرُفِعَ الْقُرْآنُ‏ .

    الكافي، ج‏4، ص160

    7) مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَيْلَةُ الْقَدْرِ هِيَ أَوَّلُ السَّنَةِ وَ هِيَ آخِرُهَا .

    الكافي، ج‏4، ص160

    8)حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الْفَقِيهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ صَدَقَةَ الْقُمِّيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَمْرٍو مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْأَنْصَارِيُّ الْكَجِّيُّ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ الْحَسَنَ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيَّ يَقُولُ‏ قَدِمَ سُلَيْمَانُ الْمَرْوَزِيُّ مُتَكَلِّمُ خُرَاسَانَ عَلَى الْمَأْمُونِ فَأَكْرَمَهُ وَ وَصَلَهُ‏ ثُمَّ قَالَ لَهُ إِنَّ ابْنَ عَمِّي عَلِيَّ بْنَ مُوسَى‏ ...

    وَ لَقَدْ سَمِعْتُ قَوْماً سَأَلُوا أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ ع عَنِ الْبَدَاءِ فَقَالَ وَ مَا يُنْكِرُ النَّاسُ مِنَ الْبَدَاءِ وَ أَنْ يَقِفَ اللَّهُ قَوْماً يُرْجِيهِمْ لِأَمْرِهِ‏ قَالَ سُلَيْمَانُ أَ لَا تُخْبِرُنِي عَنْ‏ إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ فِي أَيِّ شَيْ‏ءٍ أُنْزِلَتْ قَالَ الرِّضَا يَا سُلَيْمَانُ- لَيْلَةُ الْقَدْرِ يُقَدِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا مَا يَكُونُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ مِنْ حَيَاةٍ أَوْ مَوْتٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ رِزْقٍ فَمَا قَدَّرَهُ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ فَهُوَ مِنَ الْمَحْتُومِ قَالَ سُلَيْمَانُ الْآنَ قَدْ فَهِمْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَزِدْنِي قَالَ ع يَا سُلَيْمَانُ إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُوراً مَوْقُوفَةً عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُقَدِّمُ مِنْهَا مَا يَشَاءُ وَ يُؤَخِّرُ مَا يَشَاءُ- يَا سُلَيْمَانُ إِنَّ عَلِيّاً ع كَانَ يَقُولُ الْعِلْمُ عِلْمَانِ فَعِلْمٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ مَلَائِكَتَهُ وَ رُسُلَهُ فَمَا عَلَّمَهُ مَلَائِكَتَهُ وَ رُسُلَهُ فَإِنَّهُ يَكُونُ وَ لَا يُكَذِّبُ نَفْسَهُ وَ لَا مَلَائِكَتَهُ وَ لَا رُسُلَهُ وَ عِلْمٌ عِنْدَهُ مَخْزُونٌ لَمْ يُطْلِعْ عَلَيْهِ أَحَداً مِنْ خَلْقِهِ‏ يُقَدِّمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَ يُؤَخِّرُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَ يَمْحُو ما يَشاءُ وَ يُثْبِتُ‏ مَا يَشَاء

    التوحيد (للصدوق)، ص: 444 و عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج‏1، ص: 182

    9) عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ هُمْ سُكَّانُ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَ فِيهِمْ جَبْرَئِيلُ وَ مَعَهُ أَلْوِيَةٌ فَيُنْصَبَ لِوَاءٌ مِنْهَا عَلَى قَبْرِي وَ لِوَاءَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ لِوَاءٌ عَلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَ لِوَاءٌ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ وَ لَا يَدَعُ مُؤْمِناً وَ لَا مُؤْمِنَةً إِلَّا وَ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ إِلَّا مُدْمِنَ الْخَمْرِ وَ آكِلَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ الْمُضَمَّخِ بِالزَّعْفَرَانِ‏ .

    تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص: 791 [↑](#footnote-ref-11)
12. . دعائم الإسلام، ج‏1، ص: 282

    وَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ص أَنَّهُ قَالَ: أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ص رَجُلٌ مِنْ جُهَيْنَةَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي إِبِلًا وَ غَنَماً وَ غِلْمَةً وَ أُحِبُّ أَنْ تَأْمُرَنِي بِلَيْلَةٍ أَدْخُلُ فِيهَا فَأَشْهَدَ الصَّلَاةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَدَعَاهُ رَسُولُ اللَّهِ ص فَسَارَّهُ فِي أُذُنِهِ فَكَانَ الْجُهَنِيُّ إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ دَخَلَ بِإِبِلِهِ وَ غَنَمِهِ وَ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ غِلْمَتِهِ فَبَاتَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ فِي الْمَدِينَةِ فَإِذَا أَصْبَحَ خَرَجَ بِمَنْ دَخَلَ بِهِ فَرَجَعَ إِلَى مَكَانِهِ. [↑](#footnote-ref-12)
13. . فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لِي أَرَاكَ كَئِيباً حَزِيناً قَالَ يَا جَبْرَئِيلُ إِنِّي رَأَيْتُ بَنِي أُمَيَّةَ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ يَصْعَدُونَ مِنْبَرِي مِنْ بَعْدِي وَ يُضِلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ الْقَهْقَرَى فَقَالَ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ هَذَا شَيْ‏ءٌ مَا اطَّلَعْتُ عَلَيْهِ فَعَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ [↑](#footnote-ref-13)
14. . رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ص فِي نَوْمِهِ- كَأَنَّ قُرُوداً تَصْعَدُ مِنْبَرَهُ فَغَمَّهُ ذَلِكَ- فَأَنْزَلَ اللَّهُ «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» تَمْلِكُهُ بَنُو أُمَيَّةَ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ قَدْرٍ [↑](#footnote-ref-14)
15. . تَفْسِيرِ الثَّعْلَبِيِّ وَ مُسْنَدِ الْمَوْصِلِيِّ وَ جَامِعِ التِّرْمِذِيِّ وَ اللَّفْظُ لَهُ عَنْ يُوسُفَ بْنِ‏ مَازِنٍ الرَّاسِبِيِ‏ أَنَّهُ لَمَّا صَالَحَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عُذِلَ وَ قِيلَ لَهُ يَا مُذِلَّ الْمُؤْمِنِينَ وَ مُسَوِّدَ الْوُجُوهِ فَقَالَ لَا تَعْذِلُونِّي فَإِنَّ فِيهَا مَصْلَحَةً.وَ لَقَدْ رَأَى النَّبِيُّ ص فِي مَنَامِهِ يَخْطُبُ بَنُو أُمَيَّةَ وَاحِداً بَعْدَ وَاحِدٍ فَحَزِنَ فَنَزَلَ جَبْرَئِيلُ بِقَوْلِهِ‏ إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ وَ إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ فِي خَبَرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ فَنَزَلَ‏ أَ فَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْناهُمْ سِنِينَ‏ إِلَى قَوْلِهِ‏ يُمَتَّعُونَ‏ ثُمَّ نَزَلَ‏ إِنَّا أَنْزَلْناهُ‏ يَعْنِي جَعَلَ اللَّهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِنَبِيِّهِ خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرِ مُلْكِ بَنِي أُمَيَّةَ. [↑](#footnote-ref-15)
16. . يُوسُفُ بْنُ مَازِنٍ الرَّاسِبِيُّ قَالَ: قَامَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع فَقَالَ يَا مُسَوِّدَ وَجْهِ الْمُؤْمِنِ فَقَالَ الْحَسَنُ لَا تُؤَنِّبْنِي رَحِمَكَ اللَّهُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص رَأَى بَنِي أُمَيَّةَ يَخْطُبُونَ عَلَى مِنْبَرِهِ رَجُلًا فَرَجُلًا فَسَاءَهُ ذَلِكَ فَنَزَلَتْ‏ إِنَّا أَعْطَيْناكَ‏ الْكَوْثَرَ الْكَوْثَرُ نَهَرٌ فِي الْجَنَّةِ وَ نَزَلَتْ‏ إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ يَعْنِي أَلْفَ شَهْرٍ مَلَكَ بَنُو أُمَيَّةَ فَحَسَبْنَا ذَلِكَ فَإِذَا هُوَ لَا يَزِيدُ وَ لَا يَنْقُصُ. [↑](#footnote-ref-16)
17. . قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ- عَلَيْهِ السَّلَامُ-... فَقَالَ: يَرْحَمُ اللَّهُ يَحْيَى، إِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ- عَلَيْهِ السَّلَامُ-:

    أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ- أَخَذَتْهُ نَعْسَةٌ وَ هُوَ عَلَى مِنْبَرِهِ.

    فَرَأَى فِي مَنَامِهِ رِجَالًا يَنْزُونَ عَلَى مِنْبَرِهِ نَزْوَ الْقِرَدَةِ يَرُدُّونَ النَّاسَ عَلَى أَعْقَابِهِمُ الْقَهْقَرَى فَاسْتَوَى رَسُولُ اللَّهِ- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ- جَالِساً وَ الْحُزْنُ يُعْرَفُ فِي وَجْهِهِ. فَأَتَاهُ جِبْرِيلُ- عَلَيْهِ السَّلَامُ- بِهَذِهِ الْآيَةِ: «وَ ما جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْناكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ نُخَوِّفُهُمْ فَما يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْياناً كَبِيراً» يَعْنِي بَنِي أُمَيَّةَ. قَالَ: يَا جِبْرِيلُ أَ عَلَى عَهْدِي يَكُونُونَ وَ فِي زَمَنِي قَالَ: لَا، وَ لَكِنْ تَدُورُ رَحَى الْإِسْلَامِ مِنْ مُهَاجَرِكَ فَتَلْبَثُ بِذَلِكَ عَشْراً، ثُمَّ تَدُورُ رَحَى الْإِسْلامِ عَلَى رَأْسِ خَمْسَةٍ وَ ثَلَاثِينَ مِنْ مُهَاجَرِكَ فَتَلْبَثُ بِذَلِكَ خَمْساً، ثُمَّ لَا بُدَّ مِنْ رَحَى ضَلَالَةٍ هِيَ قَائِمَةٌ عَلَى قُطْبِهَا، ثُمَّ مُلْكُ الْفَرَاعِنَةِ قَالَ: وَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ: «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» تَمْلِكُهَا بَنُو أُمَيَّةَ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. قَالَ: فَأَطْلَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبِيَّهُ- عَلَيْهِ السَّلَامُ- أَنَّ بَنِي أُمَيَّةَ تَمْلِكُ سُلْطَانَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ مُلْكَهَا طُولَ هَذِهِ الْمُدَّةِ فَلَوْ طَاوَلَتْهُمُ الْجِبَالُ لَطَالُوا عَلَيْهَا حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى بِزَوَالِ مُلْكِهِمْ، وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَسْتَشْعِرُونَ عَدَاوَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ بُغْضَنَا. أَخْبَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ بِمَا يَلْقَى أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلُ مَوَدَّتِهِمْ وَ شِيعَتُهُمْ مِنْهُمْ فِي أَيَّامِهِمْ وَ مُلْكِهِمْ. [↑](#footnote-ref-17)
18. . وَ رَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ‏ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ هُوَ سُلْطَانُ بَنِي أُمَيَّةَ وَ لَيْلَةٌ مِنْ إِمَامٍ عَدْلٍ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مُلْكِ بَنِي أُمَيَّةَ وَ قَالَ‏ تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ‏ أَيْ عِنْدَ رَبِّهِمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِكُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ. [↑](#footnote-ref-18)
19. مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ‏ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ قَالَ مِنْ مُلْكِ بَنِي أُمَيَّةَ قَالَ وَ قَوْلُهُ‏ تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ‏ أَيْ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِكُلِّ أَمْرٍ سَلَامٍ. [↑](#footnote-ref-19)
20. . حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَمْرٍو الْبَزَّارُ، وَالْعَبَّاسُ بْنُ حَمْدَانَ الْحَنَفِيُّ، قَالَا: ثنا زَيْدُ بْنُ أَخْزَمَ، ثنا أَبُو دَاوُدَ، ثنا الْقَاسِمُ بْنُ الْفَضْلِ، عَنْ يُوسُفَ بْنِ مَازِنٍ الرَّاسِبِيِّ، قَالَ: قَامَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، فَقَالَ: سَوَّدْتَ وُجُوهَ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَالَ: " لَا تُؤَنِّبْنِي رَحِمَكَ اللهُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ أُرِيَ بَنِي أُمَيَّةَ يَخْطُبُونَ عَلَى مِنْبَرِهِ رَجُلًا فَرَجُلًا، فَسَاءَهُ ذَلِكَ، فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: {إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ} [الكوثر: 1] نَهَرٌ فِي الْجَنَّةِ، وَنَزَلَتْ: {إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ} [القدر: 2] ، تَمْلِكُهُ بَنُو أُمَيَّةَ ". قَالَ الْقَاسِمُ: «فَحَسَبْنَا ذَلِكَ، فَإِذَا هُوَ أَلْفٌ لَا يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ» [↑](#footnote-ref-20)
21. در همین مضمون است احادیث زیر:

    1) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالُوا قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا سَعِيداً السَّمَّانَ كَيْفَ يَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ قَالَ الْعَمَلُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ.

    الكافي، ج‏4، ص: 157

    2) ذكرعطاء عن ابن عباس قال‏ ذكر لرسول الله ص رجل من بني إسرائيل أنه حمل السلاح على عاتقه في سبيل الله تعالى ألف شهر فعجب من ذلك رسول الله ص عجبا شديدا و تمنى أن يكون ذلك في أمته فقال يا رب جعلت أمتي أقصر الناس أعمارا و أقلها أعمالا فأعطاه الله ليلة القدر و قال ليلة القدر خير من ألف شهر الذي حمل الإسرائيلي السلاح في سبيل الله لك و لأمتك من بعدك إلى يوم القيامة في كل رمضان‏

    مجمع البيان فى تفسير القرآن، ج‏10، ص: 791

    حدیث فوق در یکی از کتب اهل سنت، با سندش:

    3) وأخبرنا أبو عمرو الفراتي قال: أخبرنا محمد بن إسحاق قال: حدّثنا سعيد بن عيسى قال: حدّثنا فارس بن عمرو قال: حدّثنا صالح قال: حدّثنا مسلم بن خالد بن أبي نجح أن النبي صلى الله عليه وسلم ذكر رجلا من بني إسرائيل لبس السلاح في سبيل الله ألف شهر قال: فعجب المسلمون من ذلك فأنزل الله سبحانه: إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ الذي لبس ذلك الرجل السلاح في سبيل الله.

    تفسیر ثعلبی ج10 ص236 [↑](#footnote-ref-21)
22. . مقارن شدن صدمین جلسه از این سلسله تدبرها – که شروعش با نام صدیقه کبری س، بود – با بیست و یکم رمضان و نام و خاطره امیرالمومنین ع را به فال نیک باید گرفت و از خداوند متعال عاجزانه خواست که به حق این زوج بی‌نظیر توفیق ادامه این مسیر را از ما دریغ نورزد و در این مسیر ما را لحظه‌ای به خودمان وانگذارد؛ ان‌شاءالله تبارک و تعالی. [↑](#footnote-ref-22)
23. . ارائه دیدگاه‌های مختلف در قالب سه دیدگاه، در مجمع البيان‏1/ 175-174 [↑](#footnote-ref-23)
24. . البته بنا بر اینکه لبس به معنای لباس پوشاندن باشد؛ اما اگر از لُبس (به معنای ملتبس شدن و اشتباه کردن) باشد و مرجع ضمیر به کفار برگردد کاملا دلالت بر فرد می‌کند و در واقع معنای آیه چنین می‌شود: و اگر او را فرشته قرار می دادیم، آن فرشته را همچون یک مرد قرار می دادیم و مطلب را همچنان بر کفار ملتبس می‌کردیم [↑](#footnote-ref-24)
25. البته مرحوم طبرسی اشکالی گرفته‌اند که در این صورت جمله اخیر کاملا لغو می‌شود زیرا معلوم است که هر شبی، تا طلوع فجر شب است، و گفتن اینکه این شب تا طلوع فجر است، لغو است. مجمع البيان في تفسير القرآن، ج‏10، ص786 [↑](#footnote-ref-25)
26. . الجدول في إعراب القرآن، ج‏30، ص374 [↑](#footnote-ref-26)
27. . إعراب القرآن و بيانه، ج‏10، ص538 [↑](#footnote-ref-27)
28. . عبارت حذف شده این است: «فَذَكَرَ شَيْئاً مِنْ أَمْرِ الْإِمَامِ إِذَا وُلِدَ قَالَ وَ اسْتَوْجَبَ‏ زِيَادَةَ الرُّوحِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» به گمانم می‌رسد اعراب اینجا شاید درست گذاشته نشده و اعراب صحیح این گونه باشد « زِيَادَةً الرُّوحُ» بحث سر این است که علم امام هنگام تولد چقدر شمول دارد و بعد فهم من این است که امام در ادامه می فرماید که روح موجب زیادت آن علم در شب قدر می‌شود. طبق اعراب فوق، گفته امام همه چیز را هنگام تولد عالم می شود و در شب قدر زیادت روح پیدا می‌کند.

    متن این حدیث به طور کاملتر در همین کتاب بصائر آمده است بدین صورت:

    حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْمُخْتَارِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ‏ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي السَّنَةِ الَّتِي وُلِدَ فِيهَا ابْنُهُ مُوسَى فَلَمَّا نَزَلْنَا الْأَبْوَاءَ وَضَعَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع الْغَدَاءَ وَ لِأَصْحَابِهِ وَ أَكْثَرَهُ وَ أَطَابَهُ فَبَيْنَا نَحْنُ نَتَغَدَّى إِذْ أَتَاهُ رَسُولُ حَمِيدَةَ أَنَّ الطَّلْقَ قَدْ ضَرَبَنِي وَ قَدْ أَمَرَتْنِي أَنْ لَا أَسْبِقَكَ بِابْنِكَ هَذَا فَقَامَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَرِحاً مَسْرُوراً فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ عَادَ إِلَيْنَا حَاسِراً عَنْ ذِرَاعَيْهِ ضَاحِكاً سِنُّهُ فَقُلْنَا أَضْحَكُ اللَّهُ سِنَّكَ وَ أَقَرَّ عَيْنَيْكَ مَا صَنَعَتْ حَمِيدَةُ فَقَالَ وَهَبَ اللَّهُ لِي غُلَاماً وَ هُوَ خَيْرُ مَنْ بَرَأَ اللَّهُ وَ لَقَدْ خَبَّرَتْنِي عَنْهُ بِأَمْرٍ كُنْتُ أَعْلَمَ بِهِ مِنْهَا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا خَبَّرَتْكَ عَنْهُ‏ حَمِيدَةُ قَالَ ذَكَرَتْ أَنَّهُ لَمَّا وَقَعَ مِنْ بَطْنِهَا وَقَعَ وَاضِعاً يَدَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ رَافِعاً رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَأَخْبَرْتُهَا أَنَّ تِلْكَ أَمَارَةُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَمَارَةُ الْإِمَامِ مِنْ بَعْدِهِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا تِلْكَ مِنْ عَلَامَةِ الْإِمَامِ فَقَالَ إِنَّهُ لَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي عُلِقَ بِجَدِّي فِيهَا أَتَى آتٍ جَدَّ أَبِي وَ هُوَ رَاقِدٌ فَأَتَاهُ بِكَأْسٍ فِيهَا شَرْبَةٌ أَرَقُّ مِنَ الْمَاءِ وَ أَبْيَضُ مِنَ اللَّبَنِ وَ أَلْيَنُ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ وَ أَبْرَدُ مِنَ الثَّلْجِ فَسَقَاهُ إِيَّاهُ وَ أَمَرَهُ بِالْجِمَاعِ فَقَامَ فَرِحاً مَسْرُوراً وَ جَامَعَ‏ فَعُلِقَ فِيهَا بِجَدِّي وَ لَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي عُلِقَ فِيهَا بِأَبِي أَتَى آتٍ جَدِّي فَسَقَاهُ كَمَا سَقَاهُ جَدٍّ أَبِي وَ أَمَرَهُ بِالْجِمَاعِ فَقَامَ فَرَحاً مَسْرُوراً فَجَامَعَ فَعُلِقَ بِأَبِي وَ لَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي عَلَّقَ بِي فِيهَا أَتَى آتٍ أَبِي فَسَقَاهُ وَ أَمَرَهُ كَمَا أَمَرَهُمْ فَقَامَ فَرِحاً مَسْرُوراً فَجَامَعَ فَعُلِقَ بِي وَ لَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي عُلِقَ فِيهَا بِابْنِي هَذَا أَتَانِي آتٍ كَمَا أَتَى جَدَّ أَبِي وَ جَدِّي وَ أَبِي فَسَقَانِي كَمَا سَقَاهُمْ وَ أَمَرَنِي كَمَا أَمَرَهُمْ فَقُمْتُ فَرِحاً مَسْرُوراً بِعِلْمِ اللَّهِ بِمَا وَهَبَ لِي فَجَامَعْتُ فَعُلِقَ بِابْنِي وَ إِنَّ نُطْفَةَ الْإِمَامِ مِمَّا أَخْبَرْتُكَ فَإِذَا اسْتَقَرَّتْ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً نَصَبَ اللَّهُ لَهُ عَمُوداً مِنْ نُورٍ فِي بَطْنِ أُمِّهِ يَنْظُرُ مِنْهُ مَدَّ بَصَرِهِ فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ أَتَاهُ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ حَيَوَانُ وَ كَتَبَ عَلَى عَضُدِهِ الْأَيْمَنِ‏ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقاً وَ عَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ‏ فَإِذَا وَقَعَ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ وَاضِعاً يَدَهُ عَلَى الْأَرْضِ رَافِعاً رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَإِذَا وَضَعَ يَدَهُ إِلَى الْأَرْضِ فَإِنَّهُ يَقْبِضُ كُلَّ عِلْمٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ أَمَّا رَفْعُهُ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنَّ مُنَادِياً يُنَادِي مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ مِنْ قِبَلِ رَبِّ الْعِزَّةِ مِنَ الْأُفُقِ الْأَعْلَى بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ يَقُولُ يَا فُلَانُ اثْبُتْ ثَبَّتَكَ اللَّهُ فَلِعَظِيمٍ مَّا خَلْقُكَ‏ أَنْتَ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي وَ مَوْضِعُ سِرِّي وَ عَيْبَةُ عِلْمِي لَكَ وَ لِمَنْ تَوَلَّاكَ أَوْجَبْتُ رَحْمَتِي وَ أَسْكَنْتُ‏ جَنَّتِي وَ أَحْلَلْتُ جِوَارِي ثُمَّ وَ عِزَّتِي لَأُصْلِيَنَ‏ مَنْ عَادَاكَ أَشَدَّ عَذَابِي وَ إِنْ أَوْسَعْتُ عَلَيْهِمْ مِنْ سَعَةِ رِزْقِي فَإِذَا انْقَضَى صَوْتُ الْمُنَادِي أَجَابَهُ الْوَصِيُ‏ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ‏ إِلَى آخِرِهَا فَإِذَا قَالَهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عِلْمَ الْأَوَّلِ وَ عِلْمَ الْآخِرِ وَ اسْتَوْجَبَ‏ زِيَادَةَ الرُّوحِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَيْسَ الرُّوحُ جَبْرَئِيلَ فَقَالَ جَبْرَئِيلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ خَلْقٌ أَعْظَمُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَ لَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ‏ تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ‏.

    بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص: 442-440 [↑](#footnote-ref-28)
29. . احادیث زیر در همین زمینه قابل توجه است:

    1) حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ الَّتِي تَنَزَّلُ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ فَقَالَ‏ تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ قَالَ ثُمَّ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مِمَّنْ وَ إِلَى مَنْ وَ مَا يَنْزِلُ.

    بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص221

    2) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ‏ وَ غَيْرِهِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ حَسَّانَ عَنِ ابْنِ دَاوُدَ عَنْ بُرَيْدَةَ قَالَ: كُنْتُ جَالِساً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ عَلِيٌّ ع مَعَهُ إِذْ قَالَ يَا عَلِيُّ أَ لَمْ أُشْهِدْكَ مَعِي سَبْعَةَ مَوَاطِنَ الْمَوْطِنِ الْخَامِسِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ خُصِصْنَا بِبَرَكَتِهَا لَيْسَتْ لِغَيْرِنَا.

    بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص222

    3) حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ كَتَبَ اللَّهُ فِيهَا مَا يَكُونُ ثُمَّ يُرِينِي بِهِ‏ قَالَ قُلْتُ إِلَى مَنْ قَالَ إِلَى مَنْ تَرَى؟

    بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص222

    4) حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يُونُسَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَ رَأَيْتَ مَنْ لَمْ يُقِرَّ بِمَا يأتكم [يَأْتِيكُمْ‏] فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَمَا ذُكِرَ وَ لَمْ يَجْحَدْهُ قَالَ أَمَّا إِذَا قَامَتْ عَلَيْهِ الْحُجَّةُ من [مِمَّنْ‏] يَثِقُ بِهِ فِي عِلْمِنَا فَلَمْ يَثِقْ بِهِ فَهُوَ كَافِرٌ وَ أَمَّا مَنْ لَا يَسْمَعُ ذَلِكَ فَهُوَ فِي عُذْرٍ حَتَّى يَسْمَعَ ثُمَّ قَالَ ع‏ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ‏ .

    بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص224

    5) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع كَثِيراً مَا يَقُولُ مَا الْتَقَيْنَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ع التَّيْمِيُّ وَ صَاحِبُهُ وَ هُوَ يَقُولُ‏ إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ يَتَخَشَّعُ وَ يَبْكِي فَيَقُولَانِ مَا أَشَدَّ رِقَّتَكَ بِهَذِهِ السُّورَةِ فَيَقُولُ لَهُمَا إِنَّمَا رَقَقْتُ لِمَا رَأَتْ عَيْنَايَ وَ وَعَاهُ قَلْبِي وَ لِمَا رَأَى قَلْبُ هَذَا مِنْ بَعْدِي يَعْنِي عَلِيّاً ع فَيَقُولَانِ أَ رَأَيْتَ وَ مَا الَّذِي يَرَى فَيَتْلُو هَذَا الْحَرْفَ‏ تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ قَالَ ثُمَّ يَقُولُ هَلْ بَقِيَ شَيْ‏ءٌ بَعْدَ قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى‏ كُلِّ أَمْرٍ فَيَقُولَانِ لَا فَيَقُولُ هَلْ تَعْلَمَانِ مَنِ الْمَنْزُولُ إِلَيْهِ بِذَلِكَ فَيَقُولَانِ لَا وَ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَيَقُولُ نَعَمْ فَهَلْ تَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ مِنْ بَعْدِي فَيَقُولَانِ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ تنزل [يَنْزِلُ‏] الْأَمْرُ فِيهَا فَيَقُولَانِ نَعَمْ فَيَقُولُ إِلَى مَنْ فَيَقُولَانِ لَا نَدْرِي فَيَأْخُذُ بِرَأْسِي فَيَقُولُ إِنْ لَمْ تَدْرِيَا هُوَ هَذَا مِنْ بَعْدِي قَالَ فَإِنْ كَانَا يَفْرَقَانِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ شِدَّةِ مَا يَدْخُلُهُمَا مِنَ الرُّعْبِ.

    بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج‏1، ص: 224 ؛ الكافي، ج‏1، ص249

    6) قَالَ: وَ قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَغْضَبُ عَلَيَّ قَالَ لِمَا ذَا قَالَ لِمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهُ قَالَ قُلْ قَالَ وَ لَا تَغْضَبُ قَالَ وَ لَا أَغْضَبُ قَالَ أَ رَأَيْتَ قَوْلَكَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ تَنَزُّلِ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا إِلَى الْأَوْصِيَاءِ يَأْتُونَهُمْ بِأَمْرٍ لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ ص قَدْ عَلِمَهُ أَوْ يَأْتُونَهُمْ بِأَمْرٍ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَعْلَمُهُ وَ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص مَاتَ وَ لَيْسَ مِنْ عِلْمِهِ شَيْ‏ءٌ إِلَّا وَ عَلِيٌّ ع لَهُ وَاعٍ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع مَا لِي وَ لَكَ أَيُّهَا الرَّجُلُ وَ مَنْ أَدْخَلَكَ عَلَيَّ قَالَ أَدْخَلَنِي عَلَيْكَ الْقَضَاءُ لِطَلَبِ الدِّينِ قَالَ فَافْهَمْ مَا أَقُولُ لَكَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ لَمْ يَهْبِطْ حَتَّى أَعْلَمَهُ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ عِلْمَ مَا قَدْ كَانَ وَ مَا سَيَكُونُ وَ كَانَ كَثِيرٌ مِنْ عِلْمِهِ ذَلِكَ جُمَلًا يَأْتِي تَفْسِيرُهَا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ كَذَلِكَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع قَدْ عَلِمَ جُمَلَ الْعِلْمِ وَ يَأْتِي تَفْسِيرُهُ فِي لَيَالِي الْقَدْرِ كَمَا كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ السَّائِلُ أَ وَ مَا كَانَ فِي الْجُمَلِ تَفْسِيرٌ قَالَ بَلَى وَ لَكِنَّهُ إِنَّمَا يَأْتِي بِالْأَمْرِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فِي لَيَالِي الْقَدْرِ إِلَى النَّبِيِّ وَ إِلَى الْأَوْصِيَاءِ افْعَلْ كَذَا وَ كَذَا لِأَمْرٍ قَدْ كَانُوا عَلِمُوهُ أُمِرُوا كَيْفَ يَعْمَلُونَ فِيهِ قُلْتُ فَسِّرْ لِي هَذَا قَالَ لَمْ يَمُتْ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَّا حَافِظاً لِجُمْلَةِ الْعِلْمِ وَ تَفْسِيرِهِ قُلْتُ فَالَّذِي كَانَ يَأْتِيهِ فِي لَيَالِي الْقَدْرِ عِلْمُ مَا هُوَ قَالَ الْأَمْرُ وَ الْيُسْرُ فِيمَا كَانَ قَدْ عَلِمَ قَالَ السَّائِلُ فَمَا يَحْدُثُ لَهُمْ فِي لَيَالِي الْقَدْرِ عِلْمٌ سِوَى مَا عَلِمُوا قَالَ هَذَا مِمَّا أُمِرُوا بِكِتْمَانِهِ وَ لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَ مَا سَأَلْتَ عَنْهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ السَّائِلُ فَهَلْ يَعْلَمُ الْأَوْصِيَاءُ مَا لَا يَعْلَمُ الْأَنْبِيَاءُ قَالَ لَا وَ كَيْفَ يَعْلَمُ وَصِيٌّ غَيْرَ عِلْمِ مَا أُوصِيَ إِلَيْهِ قَالَ السَّائِلُ فَهَلْ يَسَعُنَا أَنْ نَقُولَ إِنَّ أَحَداً مِنَ الْوُصَاةِ يَعْلَمُ مَا لَا يَعْلَمُ الْآخَرُ قَالَ لَا لَمْ يَمُتْ نَبِيٌّ إِلَّا وَ عِلْمُهُ فِي جَوْفِ وَصِيِّهِ وَ إِنَّمَا تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ‏ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بِالْحُكْمِ الَّذِي يَحْكُمُ بِهِ بَيْنَ الْعِبَادِ قَالَ السَّائِلُ وَ مَا كَانُوا عَلِمُوا ذَلِكَ الْحُكْمَ قَالَ بَلَى قَدْ عَلِمُوهُ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ إِمْضَاءَ شَيْ‏ءٍ مِنْهُ حَتَّى يُؤْمَرُوا فِي لَيَالِي الْقَدْرِ كَيْفَ يَصْنَعُونَ إِلَى السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ قَالَ السَّائِلُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ لَا أَسْتَطِيعُ إِنْكَارَ هَذَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع مَنْ أَنْكَرَهُ فَلَيْسَ مِنَّا قَالَ السَّائِلُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ أَ رَأَيْتَ النَّبِيَّ ص هَلْ كَانَ يَأْتِيهِ فِي لَيَالِي الْقَدْرِ شَيْ‏ءٌ لَمْ يَكُنْ عَلِمَهُ قَالَ لَا يَحِلُّ لَكَ أَنْ تَسْأَلَ عَنْ هَذَا أَمَّا عِلْمُ مَا كَانَ وَ مَا سَيَكُونُ فَلَيْسَ يَمُوتُ نَبِيٌّ وَ لَا وَصِيٌّ إِلَّا وَ الْوَصِيُّ الَّذِي بَعْدَهُ يَعْلَمُهُ أَمَّا هَذَا الْعِلْمُ الَّذِي تَسْأَلُ عَنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَى أَنْ يُطْلِعَ الْأَوْصِيَاءَ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ قَالَ السَّائِلُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كَيْفَ أَعْرِفُ أَنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ تَكُونُ فِي كُلِّ سَنَةٍ قَالَ إِذَا أَتَى شَهْرُ رَمَضَانَ فَاقْرَأْ سُورَةَ الدُّخَانِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِائَةَ مَرَّةٍ فَإِذَا أَتَتْ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ فَإِنَّكَ نَاظِرٌ إِلَى تَصْدِيقِ الَّذِي سَأَلْتَ عَنْهُ.

    الكافي، ج‏1، ص252-251 [↑](#footnote-ref-29)
30. . حَتَّى أَدْخَلَهُ إِلَى دَارٍ جَنْبَ الصَّفَا فَأَرْسَلَ إِلَيَّ فَكُنَّا ثَلَاثَةً فَقَالَ مَرْحَباً يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِي وَ قَالَ بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ بَعْدَ آبَائِهِ يَا أَبَا جَعْفَرٍ إِنْ شِئْتَ فَأَخْبِرْنِي وَ إِنْ شِئْتَ فَأَخْبَرْتُكَ وَ إِنْ شِئْتَ سَلْنِي وَ إِنْ شِئْتَ سَأَلْتُكَ وَ إِنْ شِئْتَ فَاصْدُقْنِي وَ إِنْ شِئْتَ صَدَقْتُكَ قَالَ كُلَّ ذَلِكَ أَشَاءُ قَالَ فَإِيَّاكَ أَنْ يَنْطِقَ لِسَانُكَ عِنْدَ مَسْأَلَتِي بِأَمْرٍ تُضْمِرُ لِي غَيْرَهُ قَالَ إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ مَنْ فِي قَلْبِهِ عِلْمَانِ يُخَالِفُ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَى أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلْمٌ فِيهِ اخْتِلَافٌ قَالَ هَذِهِ مَسْأَلَتِي وَ قَدْ فَسَّرْتَ طَرَفاً مِنْهَا أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْعِلْمِ الَّذِي لَيْسَ فِيهِ اخْتِلَافٌ مَنْ يَعْلَمُهُ قَالَ أَمَّا جُمْلَةُ الْعِلْمِ فَعِنْدَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَمَّا مَا لَا بُدَّ لِلْعِبَادِ مِنْهُ فَعِنْدَ الْأَوْصِيَاءِ قَالَ فَفَتَحَ الرَّجُلُ عَجِيرَتَهُ وَ اسْتَوَى جَالِساً وَ تَهَلَّلَ وَجْهُهُ وَ قَالَ هَذِهِ أَرَدْتُ وَ لَهَا أَتَيْتُ زَعَمْتَ أَنَّ عِلْمَ مَا لَا اخْتِلَافَ فِيهِ مِنَ الْعِلْمِ عِنْدَ الْأَوْصِيَاءِ فَكَيْفَ يَعْلَمُونَهُ قَالَ كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَعْلَمُهُ إِلَّا أَنَّهُمْ لَا يَرَوْنَ مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَرَى لِأَنَّهُ كَانَ نَبِيّاً وَ هُمْ مُحَدَّثُونَ وَ أَنَّهُ كَانَ يَفِدُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَسْمَعُ الْوَحْيَ وَ هُمْ لَا يَسْمَعُونَ فَقَالَ صَدَقْتَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ سَآتِيكَ بِمَسْأَلَةٍ صَعْبَةٍ أَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الْعِلْمِ مَا لَهُ لَا يَظْهَرُ كَمَا كَانَ يَظْهَرُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ فَضَحِكَ أَبِي ع- وَ قَالَ أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُطْلِعَ عَلَى عِلْمِهِ إِلَّا مُمْتَحَناً لِلْإِيمَانِ بِهِ كَمَا قَضَى عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص أَنْ يَصْبِرَ عَلَى أَذَى قَوْمِهِ وَ لَا يُجَاهِدَهُمْ إِلَّا بِأَمْرِهِ فَكَمْ مِنِ اكْتِتَامٍ قَدِ اكْتَتَمَ بِهِ حَتَّى قِيلَ لَهُ فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ وَ ايْمُ اللَّهِ أَنْ لَوْ صَدَعَ قَبْلَ ذَلِكَ لَكَانَ آمِناً وَ لَكِنَّهُ إِنَّمَا نَظَرَ فِي الطَّاعَةِ وَ خَافَ الْخِلَافَ فَلِذَلِكَ كَفَّ فَوَدِدْتُ أَنَّ عَيْنَكَ تَكُونُ مَعَ مَهْدِيِّ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ الْمَلَائِكَةُ بِسُيُوفِ آلِ دَاوُدَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ تُعَذِّبُ أَرْوَاحَ الْكَفَرَةِ مِنَ الْأَمْوَاتِ وَ تُلْحِقُ بِهِمْ أَرْوَاحَ أَشْبَاهِهِمْ مِنَ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ أَخْرَجَ سَيْفاً ثُمَّ قَالَ هَا إِنَّ هَذَا مِنْهَا قَالَ فَقَالَ أَبِي إِي وَ الَّذِي اصْطَفَى مُحَمَّداً عَلَى الْبَشَرِ قَالَ فَرَدَّ الرَّجُلُ اعْتِجَارَهُ وَ قَالَ أَنَا إِلْيَاسُ مَا سَأَلْتُكَ عَنْ أَمْرِكَ وَ بِي مِنْهُ جَهَالَةٌ غَيْرَ أَنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ يَكُونَ هَذَا الْحَدِيثُ قُوَّةً لِأَصْحَابِكَ وَ سَأُخْبِرُكَ بِآيَةٍ أَنْتَ تَعْرِفُهَا إِنْ خَاصَمُوا بِهَا فَلَجُوا قَالَ فَقَالَ لَهُ أَبِي إِنْ شِئْتَ أَخْبَرْتُكَ بِهَا قَالَ قَدْ شِئْتُ [↑](#footnote-ref-30)
31. . فَيَقُولَ لَيْسَ لِلَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ حُجَّةٌ وَ لَكِنْ‏أَخْبِرْنِي عَنْ تَفْسِيرِ- لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى‏ ما فاتَكُمْ‏ مِمَّا خُصَّ بِهِ عَلِيٌّ ع- وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ‏ قَالَ فِي أَبِي فُلَانٍ وَ أَصْحَابِهِ وَاحِدَةٌ مُقَدِّمَةٌ وَ وَاحِدَةٌ مُؤَخِّرَةٌ- لِكَيْلا تَأْسَوْا عَلى‏ ما فاتَكُمْ‏ مِمَّا خُصَّ بِهِ عَلِيٌّ ع- وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاكُمْ‏ مِنَ الْفِتْنَةِ الَّتِي عَرَضَتْ لَكُمْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص- فَقَالَ‏ الرَّجُلُ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَصْحَابُ الْحُكْمِ الَّذِي لَا اخْتِلَافَ فِيهِ ثُمَّ قَامَ الرَّجُلُ وَ ذَهَبَ فَلَمْ أَرَهُ. [↑](#footnote-ref-31)
32. . در این صورت یک مشکلی به لحاظ نحوی پیش می‌آید که، سلام مصدر است و اگر قرار باشد جار و مجرور (حَتَّى مَطْلَعِ ...) بدان متعلق باشد (یعنی: حتی مطلع الفجر، توضیح سلام باشد: زمان سلام، تا طلوع فجر است) نباید بین مصدر با متعلقش فاصله باشد. که در پاسخ چهار گونه توضیح داده‌اند. یکی اینکه اینجا «مصدر» را نه به معنای مصدری، بلکه به معنای فاعلی در نظر بگیریم (یعنی: سلامت‌بخشیِ آن [نه صرف سلامتیِ آن] تا هنگام طلوع است)؛ دوم اینکه (حَتَّى مَطْلَعِ ...) متعلق به «تنزل» در آیه قبل باشد، نه به سلام (یعنی تنزل ملائکه تا طلوع صبح ادامه دارد) (مجمع البيان في تفسير القرآن‏10/ 786)؛ سوم اینکه این قاعده لزوما در مورد جار و مجرور و ظرف پیاده نمی‌شود (يتوسع فيها ما لا يتوسع في غيرها) و چهارم اینکه فعلی در تقدیر است (یستمرون السلام حتی ...) (إعراب القرآن و بيانه‏10/ 538) [↑](#footnote-ref-32)
33. . با توجه به مجموع این ملاحظات، ظاهرا مجموع این آیه و آیه قبل به همه معانی ذیل می‌تواند دلالت کند (به ویرگول دقت شود). ضمنا در این معانی، حالت‌هایی که به لحاظ تحلیل نحوی تفاوت دارد اما در معنا اثری نمی‌گذارد، (مانند مورد چهارم از بند الف) اصلا مد نظر قرار نگرفته است:

    1- نازل می‌شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان از برای همه کارها [یا: از کل عالَم امر] ، سلام است آن شب تا هنگام طلوع فجر.

    2- نازل می‌شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان تا هنگام طلوع فجر، از برای همه کارها [یا: از کل عالَم امر] سلام است آن شب.

    3- نازل می‌شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان از برای همه کارها [یا: از کل عالَم امر] تا هنگام طلوع فجر، سلام است آن شب.

    4- نازل می‌شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان، از برای همه کارها [یا: از کل عالَم امر] سلام است آن شب تا هنگام طلوع فجر.

    5- نازل می‌شوند ملائکه و روح در آن شب به اذن پروردگارشان، از برای همه کارها [یا: از کل عالَم امر] سلام است، آن شب تا هنگام طلوع فجر [چنین است].

    پس، با توجه به قاعده امکان استعمال لفظ، این آیه، فقط به لحاظ قالب نحوی، دست‌کم بر 5 معنا و با توجه سه معنای فقط یکی از کلمات («امر»‌به معنای عالَم امر، یا مفرد «امور»، یا مفرد اوامر) دست‌کم به 15 معنا دلالت داشته باشد، که به نظر می‌آید همگی هم می‌تواند مورد نظر بوده باشد. (این نمونه بسیار ابتدایی و ساده‌ای است از اینکه چگونه ممکن است حقایق بسیاری با الفاظی بسیار محدود بیان شود) [↑](#footnote-ref-33)
34. . درباره این شب مبارک این دو روایت هم قابل توجه است:

    1) مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ [عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ] قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَ نَاسٌ يَسْأَلُونَهُ يَقُولُونَ الْأَرْزَاقُ تُقَسَّمُ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ قَالَ فَقَالَ لَا وَ اللَّهِ مَا ذَاكَ إِلَّا فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ فَإِنَّ فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ وَ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ وَ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ يُمْضَى مَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ قَالَ قُلْتُ مَا مَعْنَى قَوْلِهِ يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ قَالَ يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهَا مَا أَرَادَ مِنْ تَقْدِيمِهِ‏ وَ تَأْخِيرِهِ وَ إِرَادَتِهِ وَ قَضَائِهِ قَالَ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى يُمْضِيهِ فِي ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ قَالَ إِنَّهُ يَفْرُقُهُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى‏ وَ عِشْرِينَ وَ يَكُونُ لَهُ فِيهِ الْبَدَاءُ فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ أَمْضَاهُ فَيَكُونُ مِنَ الْمَحْتُومِ الَّذِي لَا يَبْدُو لَهُ فِيهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.

    الكافي، ج‏4، ص159

    2) مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ ع قَالَ: تُكَرِّرُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءَ سَاجِداً وَ قَائِماً وَ قَاعِداً وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ فِي الشَّهْرِ كُلِّهِ وَ كَيْفَ أَمْكَنَكَ وَ مَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ تَقُولُ بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ ص- اللَّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيّاً وَ حَافِظاً وَ نَاصِراً وَ دَلِيلًا وَ قَائِداً وَ عَوْناً وَ عَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلا

    الكافي، ج‏4، ص162 [↑](#footnote-ref-34)
35. . قَالَ [حَدَّثَنَا] أَبُو الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‏ إِنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ [السُّورَةَ] بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ‏ أَيْ بِكُلِّ أَمْرٍ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ سَلَامٌ.

    تفسير فرات الكوفي، ص581 [↑](#footnote-ref-35)
36. . که در حدیث زیر کاملا این چنین است:

    قَالَ [حَدَّثَنَا] أَبُو الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‏ إِنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ [السُّورَةَ] بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ‏ أَيْ بِكُلِّ أَمْرٍ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ سَلَامٌ.

    تفسير فرات الكوفي، ص581 [↑](#footnote-ref-36)